

# گفتگو

در این شماره:

پرواز همای سعادت بر آسمان ایران

تقویم جلالی، کامل‌ترین گاه‌شمار جهان

تاریخچه پای (pie) در استرالیا

معرفی شخصیت‌های شاهنامه

در ده سال آینده پتانسیل رشد خانه‌ها در ملبورن یا سیدنی کدامیک بیشتر است؟

تقویم ایرانی ۱۴۰۳

و مطالب متنوع دیگر...

فصلنامه رسمی کانون ایرانیان ویکتوریا- شماره: ۱۹۸- اسفند ۱۴۰۲ شماره استاندارد بین‌المللی: ۲۹۸۱-۹۴۷۴

Official Quarterly Magazine of The Iranian Society of Victoria- ISSN:2981-9474 Issue 198- March 2024



## فهرست مطالب

- ۱ ..... سخنی با شما
- ۲ ..... چهارشنبه‌سوری ۱۴۰۲
- ۸ ..... پرواز همای
- ۹ ..... یادت است بهار بود
- ۱۰ ..... سوسن کریملو در گفتگو با گلبانگ
- ۱۳ ..... پیران سرو جوان دل
- ۱۴ ..... تقویم جلالی، کامل‌ترین گاه‌شمار جهان
- ۲۰ ..... تاریخچه پای (pie) در استرالیا
- ۲۲ ..... معرفی شخصیت‌های شاهنامه - رودابه
- ۲۵ ..... علم و ثروت
- ۲۶ ..... در ده سال آینده پتانسیل رشد خانه‌ها در ملبورن یا سیدنی کدامیک بیشتر است؟
- ۳۳ ..... دلنوشته یک هنرمند
- ۳۵ ..... Mentative Art Gallery
- ۳۸ ..... نوآوری با نگاهی به شکوه تاریخ
- ۴۰ ..... تقویم ایرانی ۱۴۰۳
- ۴۱ ..... گزارش تصویری - صبحانه پارسی بنیاد یارا
- ۴۳ ..... راهنمای ارسال مقالات

کانون ایرانیان ویکتوریا برای انتشار شماره بعدی نشریه اینترنتی گلبانگ مقاله می‌پذیرد. از تمامی فارسی زبانان مقیم ایالت ویکتوریا استرالیا که در این زمینه یادداشت، جستار، نقد و عکس دارند دعوت می‌کند تا مطالب خود را برای درج در نشریه گلبانگ به آدرس ایمیل ذیل ارسال کنند.

[Info@aisov.org.au](mailto:Info@aisov.org.au)

مطالب دریافت و تایید شده توسط شورای سردبیری گلبانگ تا تاریخ دهم ژوئن ۲۰۲۴، در شماره آتی گلبانگ منتشر می‌شوند. برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد مجله گلبانگ به وبسایت کانون ایرانیان ویکتوریا مراجعه فرمایید:

[www.aisov.org.au](http://www.aisov.org.au)

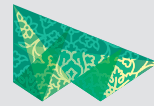
منابع مقالات منتشر شده در دفتر مجله موجود می‌باشد.

# گلبانگ

فصلنامه رسمی کانون ایرانیان ویکتوریا  
شماره استاندارد بین‌المللی: ۲۹۸۱-۹۴۷۴  
شماره ۱۹۸- اسفند ۱۴۰۲

Official Quarterly Magazine of  
The Iranian Society of Victoria  
ISSN:2981-9474  
Issue 198-March 2024

فصلنامه گلبانگ، خبرنامه داخلی کانون ایرانیان ویکتوریا بوده و به عنوان یکی از کانال‌های رسمی ارتباطی این نهاد با اعضا تلقی می‌گردد.



**AISOV**  
Australian Iranian  
Society of Victoria  
کانون ایرانیان ویکتوریا

شورای سردبیری:

افروز رحیمیان، راستین پناهنده، سارا سیف، امید سرخی، فرهاد ملکی، آناهید حبیبی و رضا داوری

هماهنگ کننده: رضا داوری

طراح گرافیک: مرضیه جلایی

نقاشی روی جلد: پیام خواجه

تصویر پشت جلد: خوشنویسی اثر امیر مولوردی خانی

طراح پوستر چهارشنبه‌سوری: شیدا لطف‌پور

خوشنویس: امیر مولوردی خانی

ایده و هماهنگی: لعبت نظامی

حق امتیاز اثر متعلق به گروه Visible Invisible است.

همکاران این شماره هیات تحریریه:

بابک صالحیان، امید سرخی، محبوبه سروش،

سارا سیف، امیرعباس کریمی، ایمان کاتوزیان،

اکرم فلاح، پریسا مرادی، معصومه سادات

میرکمال، فرهاد ملکی و علی شاملو

ضمن ارج نهادن به آزادی عقاید، از درج مطالب

ارسالی بدون نام و نشان معذوریم. درج مطالب

رسیده دلیل بر تأیید آنها نمی‌باشد.

حق انتخاب و پرايش و چاپ مطالب برای هیات تحریریه

و در نهایت هیات مدیره کانون محفوظ می‌باشد.

**نشانی دفتر کانون:**

Level 1, 79 Mahoney's Road  
Forest Hill VIC 3131

Telephone 03 9894 2644

Mobile 0468 460 698

Email

Website [www.aisov.org.au](http://www.aisov.org.au)

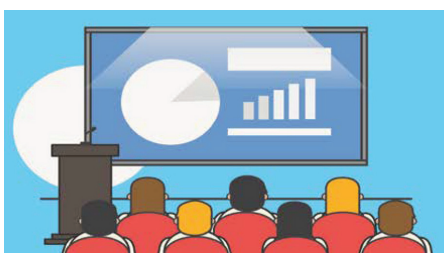
## سخنی با شما

برگزاری مراسم چهارشنبه سوری بعد از سه سال به عنوان «بزرگترین گردهمایی ایرانیان ویکتوریا» را می‌توان بزرگترین پروژه هیات مدیره کنونی کانون ایرانیان ویکتوریا معرفی کرد. پس از تصویب برگزاری این مراسم در هیات مدیره، اولین جلسه هم‌اندیشی با سایر گروه‌ها و نهادهای فارسی‌زبان در تاریخ ۹ دسامبر ۲۰۲۳ در دفتر کانون برگزار و فعالیت‌های اجرایی در قالب ۴ گروه فرهنگ و هنر، جشنواره غذا، تبلیغات و اجرایی از این تاریخ شروع شد. تقسیم‌بندی وظایف کمک می‌کند که هر فرد مسئولیت خاص خود را داشته باشد و به این ترتیب، از تداخل و ابهام در انجام وظایف افراد اجتناب می‌شود. این باعث بهبود کارآمدی و بهره‌وری کلی مراسم می‌شود. با تقسیم دقیق مسئولیت‌ها، منابع بهینه‌تر تخصیص داده می‌شوند. این شامل زمان، نیروی انسانی، و منابع مالی است. در برنامه‌ریزی‌های انجام شده برای این مراسم، گنجاندن جشنواره خوراک ایرانی تحت عنوان **Taste of Persia** با هدف معرفی غذاهای ایرانی به جامعه چند فرهنگی استرالیا در بلند مدت حایز اهمیت می‌باشد. غذا بیانگر هویت مردمانی است که آن را مصرف می‌کنند و به نوعی می‌توان آن را پلی برای ارتباط و انتقال تاریخ و فرهنگ مردمان هر منطقه به سایر افراد دانست. برای فهمیدن یک فرهنگ، جدا از مطالعه تاریخی، باید طعم غذاهایش را چشید، باید با همان مردم بود و با همان مردم خندید که برگزاری جشنواره خوراک ایرانی به همراه موسیقی و رقص در جامعه چند فرهنگی استرالیا می‌تواند این نقش را به خوبی ایفا کند. در نگاه فرهنگی، خوراک از مهم‌ترین عوامل در هویت بخشی از جوامع انسانی است. از سوی دیگر افراد در یک جامعه زیست می‌کنند که دارای اصول، ساختار و پیشینه می‌باشد و اگر مولفه‌های فرهنگی آن را به نسل جدید انتقال ندهیم، یک صدایی و هماهنگی از آن جامعه به گوش نخواهد رسید و در نهایت شاهد انقطاع فرهنگی بین نسل‌ها به ویژه نسل جوانی که متولد استرالیا هستند خواهیم بود.

همچون سال‌های گذشته امسال نیز مراسم نوروز در پارلمان ویکتوریا با حضور سیاستمداران این ایالات و فعالان اجتماعی، هنری، فرهنگی و سیاسی جامعه ایرانی توسط کانون ایرانیان ویکتوریا برگزار خواهد شد. اهمیت برگزاری جشن نوروز در محیط‌های سیاسی می‌تواند به عنوان یک فرصت برای تقویت ارتباطات، تشویق به تبادل فرهنگی، و نشان دادن احترام به تنوع فرهنگی و اقوام مختلف در جامعه تلقی شود. این نوع رویدادها می‌توانند به ترویج درک و همکاری میان اقوام و جوامع مختلف کمک کنند. برگزاری جشن‌های مرتبط با مناسبت‌های مختلف با حضور مقامات سیاسی و اجرایی یک فرصت است تا فارسی‌زبانان جلوه‌ای از تنوع فرهنگی کشور خود نمایش دهند و ارتباطات مستقیم با جوامع میزبان و ملیت‌های مختلف را توسعه دهند. این اقدام‌ها در ایجاد همبستگی اجتماعی بین فارسی‌زبانان هم موثر است.

فعالیت بیشتر کتابخانه کانون ایرانیان ویکتوریا در ملبورن، چاپ کاغذی مجله گلبانگ در تعدادی محدود و ارائه آن به مراکز فرهنگی، کتابخانه‌ها و سرای سالمندان از جمله فعالیت‌هایی است که در حال برنامه‌ریزی می‌باشد و گزارش مشروح آن به همراه جشن نوروزی و چهارشنبه سوری در شماره بعد گلبانگ منتشر خواهد شد.

کانون ایرانیان ویکتوریا - AISOV -  
 حامی هم‌زیانان و هم‌شهریان عزیز در برگزاری  
 دوره‌های کوتاه و بلند آموزشی، هنری و اطلاع‌رسانی  
 به منظور خدمت به جامعه می‌باشد.  
 جهت برگزاری کنفرانس، سمینار و کارگاه‌های  
 اطلاع‌رسانی و آموزشی با ما از طریق ایمیل  
[info@aisov.org.au](mailto:info@aisov.org.au) تماس بگیرید.





**AISOV**  
Australian Iranian  
Society of Victoria  
کانون ایرانیان ویکتوریا

# چهارشنبه سوری

**CHAHARSHANBE SURI**

**BONFIRE**

ALONG WITH

**TASTE OF PERSIA**

**FOOD FESTIVAL**

بزرگترین گردهمایی

**فارسی زبانان ویکتوریا**

به همراه جشنواره غذا

**Tuesday**  
5:00PM-9:30PM

**12**

**March**  
2024

**RUFFEY LAKE PARK/KING ST TEMPLESTOWE VIC 3106**



BON CONNELL ACCOUNTING



[HTTPS://AISOV.ORG.AU](https://aisov.org.au)

[INFO@AISOV.ORG.AU](mailto:INFO@AISOV.ORG.AU)



Australian Iranian Society of Victoria - AISOV



Aisovictoria

GOLD SPONSOR

چھیننا فورڈز



# SURENA FOODS

طعم سورنا، طعم خاطرہ ہا

- Melbo Ice Cream (1.5 LT, 1 LT, 0.5 LT, 240 ML)
- Kashk Koohsar (500 GR)
- Faloodeh Shirazi (1 LT, 240 ML)
- Shallot Yogurt (500 GR)

Gold Sponsor



1.5 Litre  
1 Litre  
0.5 Litre



1 Litre  
240 ML



1 Litre  
240 ML



500 GR



500 GR

**GOLD SPONSOR**

چھٹنا اور



**BON CONSEIL ACCOUNTING**  
Accounting & Beyond

- ✓ Taxation and Accounting Services
- ✓ Business start-up and management
- ✓ Home Loan and business loan
- ✓ Business Growth and Strategy
- ✓ Business & Investor visa advisory

☎ 03 7037 6059 / 0493 800 270    📍 2/321 Balwyn Rd, Balwyn North, VIC 3104

🌐 [www.bonconseil.com.au](http://www.bonconseil.com.au)

✉ [admin@bonconseil.com.au](mailto:admin@bonconseil.com.au)



GOLD SPONSOR

چشمه سوز



Grocery



Butchery



Restaurant



# گروه پرشین حلال

## قصابی، سوپر مارکت و رستوران ایرانی در ملبورن

این شرکت مفتخر است با بهره گیری از تجربیات ارزشمند از سال ۲۰۱۸ در ملبورن با دراختیار داشتن پرسنل ومدیران مجرب خدمات خود را در

حوزه مواد غذایی شامل گروسری، گوشت و رستوران با تاسیس دو فروشگاه و دو رستوران در ملبورن ارائه دهد و همواره آن را ارتقا بخشد

### GROCERY AND BUTCHERY

- 📍 6 Jackson court, Doncaster East
- 📍 947 Station St, Box Hill North

### RESTAURANTS

- 📍 4 Jackson court, Doncaster East
- 📍 949 Station St, Box Hill North

📞 1300 18 39 19

🌐 [persianhalal.com.au](http://persianhalal.com.au)

✉ [info@persianhalal.com.au](mailto:info@persianhalal.com.au)

GOLD SPONSOR

چشمه سوز



## شرکت واردات و پخش مواد غذایی لونکس

شرکت واردات و پخش مواد غذایی لونکس با بیش از ۱۴ سال سابقه موفق در کشور استرالیا و با بیش از ۴۵ سال تجربه تیم مدیریت در بسته بندی و پخش مواد غذایی در کشورهای دیگر، در حال حاضر با تنوع بیش از ۱۰۰۰ محصول و مراکز پخش در شهرهای مختلف توانسته است به یکی از بزرگترین شرکتهای واردات، بسته بندی و پخش مواد غذایی در استرالیا تبدیل گردد. سیاست این شرکت همواره مبتنی بر ارائه با کیفیت ترین محصولات می باشد. این دقت در انتخاب، موجب شده برند لونکس به عنوان یکی از معتبر ترین برندهای موجود در بازار استرالیا شناخته شود.



 lunexfood

Tel: 0415102577

info@lunexco.com.au



**AISOV**  
Australian Iranian  
Society of Victoria  
کانون ایرانیان ویکتوریا

## فصلنامه گلبانگ

با هدف زنده نگه داشتن سنت‌ها و آیین‌های نوروز برگزار می‌کند.

### چهارشنبه سوری و غذای ایرانی

#### موضوعات مسابقه:

- سنن و آیین‌های چهارشنبه سوری و نوروز شامل آتش، هفت سین، رقص و پایکوبی ایرانی و ...
- خوراک ایرانی (غذا، شیرینی، دسر و ...)
- نوروز و جامعه چندفرهنگی (Nowrooz and Multiculturalism)

#### شرایط مسابقه:

- بدون محدودیت سنی و با هر نوع دوربین و موبایل
- از مراسم **چهارشنبه سوری کانون ایرانیان ویکتوریا** مورخه ۱۲ مارچ ۲۰۲۴
- هر شخص با یک عکس در هر بخش می‌تواند شرکت کند.
- مهلت ارسال عکس: ۱۸ مارچ ۲۰۲۴
- عکس‌های رسیده از تاریخ ۲۰ تا ۲۵ مارچ در اینستاگرام کانون به نمایش گذاشته خواهد شد تا برترین عکس‌ها در سه بخش توسط آرای مخاطبان و بر اساس لایک آنها در اینستاگرام انتخاب شود.
- سه عکس برتر در هر بخش با مشخصات کامل عکاس در شماره آتی گلبانگ منتشر خواهد شد و لوح تقدیر نیز از طرف مجله گلبانگ و کانون ایرانیان ویکتوریا تقدیم برندگان خواهد شد.
- عکس‌های خود را با ذکر مشخصات عکاس شامل نام و نام خانوادگی و آدرس ایمیل به [golbang@aisov.org.au](mailto:golbang@aisov.org.au) ارسال فرمایید.

## پرواز همای سعادت بر فراز آسمان ایران



اخیراً دو طبیعت‌گرد پرنده هما را در ارتفاعات البرز منطقه طالقان دیده و از آن عکس و فیلم گرفته و آن را در یک صفحه اینستاگرامی منتشر کرده‌اند که باعث واکنش گسترده در شبکه‌های اجتماعی شد.

همای بر همه مرغان از آن شرف دارد که استخوان خورد و جانور نیازارد  
(سعدی)

باید دانست این پرنده در فرهنگ ایرانی بسیار ستوده شده. حتی از دوران بسیار قدیم نام هما بارها در در کتاب‌های باستانی برده شده و تندیس‌هایی که به سر هما شباهت دارد از دیدنی‌های تخت جمشید است. شاعران طراز اول ایران چون فردوسی، سعدی، حافظ، مولوی و نظامی همگی در اشعارشان آن را ستوده‌اند و افتادن سایه هما بر فردی را برای او سعادت‌بخش دانسته‌اند. بسیاری حتی سیمرغ افسانه‌ای را یک همای بزرگ دانسته‌اند؛ زیرا هما همچون سیمرغ در ارتفاعات زندگی می‌کند و در صخره‌های با شیب زیاد و پرتگاه‌ها لانه می‌سازد. دکتر محمد معین درباره هما این‌طور گفته: هما پرنده ایست با جثه‌ای قوی که جز استخوان نخورد و استخوان‌های بزرگ را از بلندی بر صخره‌ای فکند تا پس از قطعه‌شدن آن را بخورد. همای را مردم فرخنده گیرند و گرمای شمرند.

این‌که ایرانیان از روزگار باستان تا کنون پرنده قدرتمندی را که به موجودات زنده حمله نکرده و همچون سایر گروه کرکس‌ها از بقایای آنها تغذیه کرده و درضمن به پاکسازی طبیعت کمک می‌کند را تا این اندازه دوست دارند نشان از خرد جمعی و صلح دوستی این مردمان دارد. هما معمولاً در ارتفاعات کوه‌ها زندگی کرده و از محل زندگی دور نمی‌شود. شاید آنطور که گفته شده پرواز هما و سایه انداختن این پرنده سعادت‌بخش بر بخشی از ایران نویدی باشد بر پایان یافتن رنج‌های بی‌شمار در این سرزمین اهورایی.

همای سپهری بگسترده پر همی بر سرش داشت سایه ز فر

(فردوسی)

همای گو مفکن سایه شرف هرگز بر آن دیار که طوطی کم از زغن باشد

(حافظ)

خرد گفت دولت نبخشد همای گر اقبال خواهی در این سایه آی

(سعدی)

فرهنگ و هنر

## یادت است بهار بود

محبوبه سروش

یادت است رفتی و گفתי که بهار میایی  
 این بهار چندم است ای جان من کجایی  
 گل نازم تو نباشی گلزار را چی کنم  
 ای بهار زندگی بی تو بهار را چی کنم  
 من به هر گل می رسم ترا ز او می جویم  
 به خیال عطر تو عطر او را می بویم  
 من حسادت می کنم به بلبلان نغمه خوان  
 می رسند به عشق شان شاد شوند از دل و جان  
 من که عمریست برای تو ز دل می خوانم  
 پس چرا نمی رسد روز وصال ای جانم  
 کاش که فصل بهار فصل وصال ما بودی  
 شادی های زندگی رفیق حال ما بودی  
 یادم است بهار بود وقتی که رفتی نازنین  
 بعد از آن بهار نیست "محبوبه" را روی زمین

## رویدادها

## سوسن کریملو در گفت‌وگو با «گلبنگ»:

## عشق، رمز موفقیت من بود

امید سرخی / [omid.sorkhi@education.vic.gov.au](mailto:omid.sorkhi@education.vic.gov.au)

روز یکشنبه ۲۱ ژانویه امسال، به تصمیم شایسته کانون ایرانیان ملبورن، تعدادی از اعضای این کانون برای دیدار و بزرگداشت یکی از مسوولین سابق این مرکز که ید طولایی در سرپرستی و مدیریت آن در سال‌های گذشته داشته، در منزل سرکار خانم «سوسن کریملو» حضور یافته و ایشان طی نشست دوستانه و صمیمی با صبر و حوصله به پرسش‌های ما پاسخ دادند که در ادامه با هم می‌خوانیم.

### خانم کریملو لطفاً کمی خودتان را برای خوانندگان ما معرفی کنید.

من در سال‌های آخر پیش از انقلاب در یکی از سازمان‌های دولتی ایران مسوول خدمات کامپیوتری بودم که تازه تکنولوژی‌اش در حال ورود به ایران بود. بعد از این که دخترم در ایران دیپلم گرفت به این فکر افتادیم که برای ساختن آینده‌ای بهتر برای او به استرالیا مهاجرت کنیم. کارهای بازنشستگی‌ام را در ایران انجام دادم و همراه خانواده به اینجا آمدیم.

### در دوران تصدی شما فعالیت‌های کانون چگونه بود؟

ما تمام تلاشمان در آن دوران این بود که رضایت همه را جلب کنیم به همین خاطر برنامه‌های متنوعی را اجرا می‌کردیم. برای مثال برنامه تفریحی «سفره رنگین» را داشتیم و چندین بار دوستان را با هماهنگی به خارج از شهر بردیم و برای گذراندن یک روز خوب برنامه‌ریزی کردیم. بعضاً اگر هوا مساعد نبود رستورانی را رزرو می‌کردیم و آنها را به آنجا می‌بردیم و ساعتی را با شادی و هم‌نشینی می‌گذراندیم. این برنامه برای سالمندان هر ماه یکبار انجام می‌شد. همچنین برنامه‌ای برای جوانان داشتیم که





عموماً در کنار دریا یا خارج از شهر بود و از جوانان عزیزمان با کباب و انواع خوراکی‌ها و تنقلات پذیرایی می‌کردیم و بعد از آن هم سرگرم فعالیت‌هایی از جمله والیبال و فوتبال و بازی‌های دیگر می‌شدند. هدف از اجرای این برنامه این بود که جوانان ایرانی ملبورن دور هم جمع شده و ضمن آشنایی با یکدیگر، یک روز زیبا را در کنار دوستان و آشنایانشان و به دور از شلوغی‌های شهری بگذرانند و به قول معروف «جوانی» کنند. همچنین برگزاری جشن‌های چهارشنبه سوری، مهرگان و سیزده به در هم هر ساله جزو برنامه‌ای حتمی کانون بود و در چنین روزهای پرمشغله‌ای، همسر عزیزم شادروان اکبر کریملو و همین‌طور دوستانم هم همکاری تنگاتنگی با من داشتند. همسرم بعضاً ناچار می‌شد برای این‌که مکان مناسبی را در اختیار هموطنانمان بگذاریم از صبح زود به آنجا رفته و یکی از مناسب‌ترین مکان‌ها را رزرو می‌کرد و ساعت‌ها منتظر می‌ماند و بساط زغال و منقل و آتش را مهیا می‌کرد تا ما برسیم! او همیشه از این خوشحال بود که می‌توانستیم برای هموطنانمان ساعات خوشی را فراهم کنیم. در تمام این برنامه‌ها جای شما بسیار خالی بود!

### یکی از بارزترین خاطرات خود را برایمان تعریف کنید؟

قطعا ۲۰ سال بودن در کنار هموطنان عزیزمان خاطرات بسیاری را پدید آورده و تعداد زیادی از آنها را در خاطر دارم. اما یکی از بهترین خاطراتم مربوط می‌شود به میهمانی بزرگ شب عید کانون که بالغ بر ۱۰۰۰ نفر از هموطنانمان را برای صرف شام در یک سالن پذیرایی بسیار بزرگ دعوت کرده بودیم. صبح آن روز به من اطلاع دادند که سرآشپز مراسم مریض شده و قادر نیست برای پخت غذا به سالن بیاید! حقیقتاً در ابتدا شوکه شدم! ولی ناچاراً آستین‌ها را بالا زدیم و با همکاری تعدادی از خانم‌ها کوکوسیزی، سبزی‌پلو و ماهی درست کردیم و بدون این‌که

به آنها قبل از همه در محل حاضر و بعد از همه از آنجا خارج می‌شدم. بعضاً به دلیل اینکه دوستان خودرو نداشتند تا به مراسم بیایند من آنها را از درب منزلشان سوار و برای رفت و برگشت از خودرو شخصی‌ام استفاده می‌کردم. در غیر این صورت عده‌ای از آنها قادر به حضور در مراسم نبودند! اصولاً معتقدم انسان اگر مسوولیتی را می‌پذیرد باید تمام و کمال و به شکل پسندیده و حرفه‌ای آن را انجام دهد. حتی یکبار سوءتفاهم کوچکی در مورد یکی از اشعار خوانده شده در جلسه شعر به وجود آمده بود و چند نفر را مکدر کرده بود که آن را هم با گشاده‌رویی و هم صحبتی فیصله دادم و از قضا همان افراد بعد از پایان صحبت‌مان عضو کانون شدند!

کسی متوجه غیبت آشپز شود به خوبی از میهمانان پذیرایی شد و همه از آن راضی بودند و از آشپز غذا تشکر خاصی داشتند! گفتنش راحت است اما نمی‌دانید که با توجه به زمان کمی که داشتیم چقدر باید سریع کار می‌کردیم و حجم غذا هم بسیار زیاد بود! به‌هرحال میهمانی خوبی بود و همه از آن راضی بودند!

### آیا در دوران تصدی شما هیچ تنش یا مشکلی هم وجود داشت؟

حقیقتاً خیر! من اصولاً انسانی بسیار آرام و صبورم و تمام تلاشم را می‌کردم تا رضایت همه را جلب کنم. سعی می‌کردم با گفتگو موضوع را حل و فصل کنیم و بسیار ملایمت داشتم تا مبادا کسی آزرده شود. من همه را دوست داشتم و برای خدمت

## رسیدگی تا این حد به کانون زندگی شخصی تان را مختل نمی‌کرد؟

حقیقتاً بعضی اوقات مختل می‌کرد! من ۵ نوه داشتم و باید به آنها هم رسیدگی می‌کردم چون پدر و مادرشان شاغل بودند. اما برنامه‌ریزی هفته‌ای یک روز، مشکل خاصی را به وجود نمی‌آورد! **آیا در حال حاضر با کانون ایرانیان ارتباط دارید؟** خیر. در حال حاضر و بعد از ازدست دادن همسرم احساس می‌کنم توان زیادی برای چنین کارهایی فعلاً ندارم. شاید در آینده و پس از گذشت زمان توانایی آن را بازیابم ولی هر کمکی که در حد توانم باشد دریغ نخواهم کرد.

**در خارج از کانون ارتباط شما با ایرانیان دیگر چگونه بود؟** شاید گفتنش خیلی هم ضروری نباشد اما من حتی منزل شخصی‌ام را هم در اختیار ایرانیانی که به ملبورن می‌آمدند و کسی را در اینجا نداشتند، قرار می‌دادم و آنها می‌توانستند برای مدت‌ها بدون چشم‌داشتی در آنجا بمانند! این امکان را داشتم و کمک کردم. چرا که نه! دوستانی در منزل من زندگی کرده‌اند که الان در کشورهای دیگر زندگی می‌کنند و هیچ منتهی بر آنها نیست. کمک کردن به دیگران بسیار لذتبخش است برای من. دانشجویانی بودند که حتی تا پایان دوران تحصیلشان در منزل من زندگی کردند!

**آیا از دوستان آن دوران با کسی در ارتباط هستید؟** بله. البته با تعداد اندکی از آنها. بعضی از آنها از اینجا رفته‌اند و خبری ندارم و بعضی در سرای سالمندان هستند و من گاهی به دیدارشان می‌روم.

## ارتباط شما با خانه ایران چگونه بود؟

خانه ایران در زمان مسئولیت من خریداری شد. خانه‌ای را خریدیم ولی به دلایلی آن را فروختند و خانه دیگری را خریداری کردند. فلسفه خرید این منزل، اسکان موقت افراد تازه وارد به ملبورن بود که کسی را نداشتند. با پرداخت اجاره کم بابت اتاق‌های آن، می‌شد اقساط منزل را پرداخت و آن را نگه داشت ولی دوستان تصمیم گرفتند که آن را بفروشند.

## آیا با جوامع غیرایرانی نیز هم ارتباط داشتید؟

خیر! اما اگر به هر دلیلی به ما مراجعه می‌کردند با کمال میل با آنها صحبت و مشارکت می‌کردیم.

## دلیل استمرار این فعالیت که بالغ بر ۲۰ سال بوده را چه می‌دانید؟

من معتقدم وقتی کسی مسئولیتی را می‌پذیرد اول باید در توانش باشد و ضروری‌تر از آن این‌که کارش را با عشق انجام دهد. رمز استمرار این فعالیت اجتماعی عشق بود! من عاشق کار و هموطنانم بوده و هستم و همین به من انرژی و امید می‌داد تا به مسئولیت‌م ادامه دهم.



## آیا به خاطر دارید در دوره مسئولیت شما چه تعداد عضو در کانون وجود داشت؟

تا آنجا که به یاد دارم بین ۳۰۰-۴۰۰ خانواده بودند که به نسبت جامعه ایرانی آن زمان تعداد قابل توجهی بود. الان تعداد ایرانیان مقیم ویکتوریا بسیار زیاد شده و با آن زمان قابل مقایسه نیست و تفاوت فاحشی دارد. اگر در نظر بگیریم که هر خانواده ۳ نفر بودند، تعداد کل اعضا بالغ بر ۱۰۰۰ نفر می‌شد و حق عضویت هم حدوداً ۳۰ دلار برای هر نفر بود. از این مبلغ برای اداره مناسبت‌های مختلف استفاده می‌شد اما بعضاً شرکت‌کنندگان نیز در پرداخت آن سهم داشتند. نکته دیگر این‌که در آن زمان کانون ایرانیان محل تلاقی و نقطه عطف جامعه ایرانیان ملبورن بود، از اینترنت و از گروه‌های تلگرامی و... خبری نبود و کانون مرجع اصلی ایرانیان ملبورن بود. الان شرایط کاملاً فرق کرده و کار شما سخت‌تر شده!

## آیا از حمایت‌های مالی دولت نیز برخوردار بودید؟

بله. حمایت‌های مالی همیشه بود اما میزانش برای انجام تمام امور کافی نبود. ما تلاش می‌کردیم بابت هر فعالیتی مبلغی از اعتبارات دولتی استفاده کنیم اما به دلیل کم بودن آن ناچار بودیم از محل حق عضویت افراد هم استفاده کنیم. حتی در برخی موارد از شرکت‌کنندگان می‌خواستیم که در هزینه مراسم مشارکت کنند. مثلاً درصدی از هزینه غذا را متقبل شوند.

## انتظارات مردم در آن زمان از شما به عنوان مدیر مجموعه چه بود؟

انتظارات خاصی نداشتند! همه راضی بودند و ابراز خوشحالی می‌کردند. همین باعث تشویق من برای ادامه کار می‌شد. البته نباید فراموش کرد که برای جلب رضایت همه، تلاش همگانی لازم است و من همیشه عده‌ای از دوستانم را داشتم که به من کمک می‌کردند. الان اسامی تمام آنها را به خاطر ندارم اما بدون کمک و همیاری آنها من به تنهایی قادر به هماهنگی کافی نبودم.

## گلبنگ قدیم

## پیران سرو جوان دل (این مطلب می ۲۰۱۴ منتشر شده است.)

علی شاملو

بعضی در جوانی پیر می‌شوند و برخی در پیری هم جوانند. راه ورسم زندگی را بیاموزیم تا در پیری هم جوان بمانیم. شاعری می‌گوید: پیری آن نیست که با عمر شود موی سپید / هر جوانی که به سرعشق ندارد پیر است. عشق به کار، عشق به زندگی و عشق به دیگران ما را جوان و شاداب نگه می‌دارد. ترس از پیری ما را زودتر پیر می‌کند و فکر پیری ما را پیرتر می‌سازد. آنانکه از پیری نگرانند شور و نشاط زندگی را در جوانی از دست می‌دهند و پیرانی که در پیری هم به دل سوزی و به سرشوری دارند پر شورتر و امیدوارتر از جوانان زندگی می‌کنند.

**۶۶**  
**پیری آن نیست**  
**که با عمر شود**  
**موی سپید**  
**هر جوانی**  
**که به سرعشق ندارد**  
**پیر است.**

سفر زندگی به بدرقه شما آمده بودند فاصله گرفته‌اید و از آنان خبری نیست. این فاصله همان سنی است که اغلب نوجوانان حامیان خود را از دست می‌دهند و در راه درازی که در پیش دارند احساس تنهائی می‌کنند. باز هم جلوتر بروید تا به ژرفنای زندگی برسید. در اینجاست که با طوفان‌های مهیب زندگی و امواج خروشان جوانی روبرو می‌شوید. چه بسا رهنوردانی که در این راه دستخوش طوفان و امواج گردیده و در این ژرفنا فنا گشته‌اند. آنانکه از عقل و خرد بهره‌ای دارند به نیروی لیاقت و تدبیر، کشتی عمر را از گرداب‌های زندگی و طوفان‌های جوانی می‌گذرانند و جان به سلامت می‌برند. باز هم به جلو برانید. قدری دورتر افقی از آرامش هویدا می‌شود که همان ساحل مراد است. این مرحله هم به منزله دوران پیری است. در اینجا اگرچه از راه درازی که پیموده‌اید خسته و فرسوده‌اید. اما از بحران جوانی و قسمتی از دوران زندگی گذشته‌اید و از طوفان‌های گذشته خاطره‌ها دارید. شنیدن همین خاطرات پیران است که برای جوانان بس مطبوع و جذاب است. از اینکه جوانی خود را از دست داده‌ایم افسوس‌ها می‌خوریم. چه عیب دارد به جای این همه حسرت کمی هم از موفقیت‌هایی که در مبارزه با آن طوفان‌ها و امواج خروشان جوانی نصیب ما شده است احساس پیروزی و خوشوقتی بکنیم؟ نمی‌دانم چرا این قدر ما را از پیری ترسانیده‌اند؟ از جوانی و جوانی کردن باید ترسید. همه می‌گویند: آرزو بر جوانان عیب نیست. آرزو بر پیران هم بی‌عیب است چه: آنها پیرانه فکر می‌کنند و آرزوهای معقول‌تری دارند.

یکی می‌گفت: آن وقت‌ها که جوان بودم فکر می‌کردم که دوست بدارم و حالا که پیر شده‌ام دوست دارم که فکر کنم. شما تصور می‌کنید پیران به چه چیزها می‌اندیشند؟ به ایام جوانی؟ دوران پیری و فلسفه زندگی؟ و یا در باره خانه و زن و فرزند و نوه؟ آنچه مسلم است تصورات و اندیشه‌های پیران با افکار و تخیلات جوانان چندان مشابهتی ندارد. جوانان با یک دنیا امید و آرزو از دریچه خیال، به دورنمای آینده می‌نگرند و پیران با دستی پر از تجربه‌ها به دوران گذشته می‌اندیشند. اولی از خوشبختی‌ها و شادکامی‌های آینده در صفحه خیال نقش‌ها می‌بندد و دومی از یادآوری خوشحالی‌ها و خوشدلی‌های گذشته غرق لذت می‌گردد. انصاف دهید که در قمار زندگی برد با کدامیک است!! آنچه آن جوان در جوانی آرزو می‌کند و به منظور تحصیل آن در تلاش است این پیرتوفیق کسب آن را یافته و آنچه اولی از نشیب و فراز زندگی در پیش دارد دیگری پشت سرگذشته و در میدان نبرد زندگی تا به انتها تاخته است. زندگی را چون دریائی تصور نمائید و همراه با سفینه عمر از یک سو به سوی دیگر آن سفر کنید. ابتدای سفر را که هنوز از مبداء آنقدرها بدور نرفته‌اید و از راهی که در پیش دارید بی‌خبرید، دوران کودکی بدانید. در این مرحله است که می‌خواهید پا فراتر بنهید و هرچه زودتر از مبداء دور شوید و بیشتر به سیر و سیاحت پردازید. این میل در کودکان به خوبی مشاهده می‌شود. زیرا با تقلید از حرکات و حالات و رفتا ریزرگتران می‌خواهند جلوتر بروند و خود را از آنچه هستند بزرگتر جلوه بدهند. اگر قدری جلوتر بروید می‌بینید با آشنایانی که در

تاریخ

## تقویم جلالی، کامل ترین گاه شمار جهان

امپراطوری فرهنگی ایران - بخش سوم

گردآوری: فرهاد ملکی

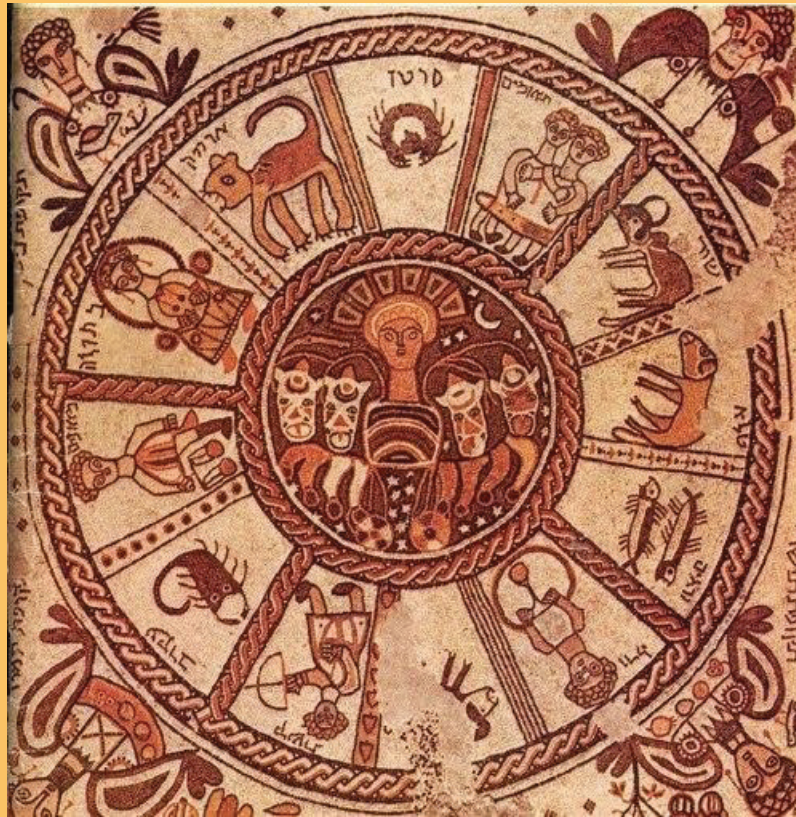


هنگام صبح ای صنم فرخ پی بر ساز ترانه‌ای و پیش آوری  
کافکنده به خاک صد هزاران جم و کی این آمدن تیرمه و رفتن دی  
«رباعیات خیام»

## پیش گفتار

روز دهم رمضان سال ۴۷۱ هجری قمری برابر با ۱۹ فروردین سال ۴۴۷ یزدگردی گاه شمار جدید خورشیدی که با اصلاحاتی در گاه شمار یزدگردی، در رصدخانه‌های اصفهان، ری و نیشاپور توسط سه گروه از ریاضی دانان و ستاره شناسان ایرانی از جمله حکیم عمر خیام تدوین شده بود، اول فروردین سال یکم جلالی (۱) نامیده شد. محاسبات بسیار دقیق کبیسه گیری (۲) در هر سال و تطبیق کامل آن با اعتدال بهاری و فصل‌های چهارگانه باعث شد این گاه شمار از آن پس دقیق ترین و کامل ترین گاه شمار در جهان محسوب گردد.

در این مقاله خلاصه‌ای از گاه شمارهای مهم جهانی به زبان ساده شرح داده شده و با تقویم (گاه شمار) جلالی که امروزه با بعضی تغییرات، گاه شمار رسمی ایران است مقایسه شده است.



### تقسیم بندی زمان:

انسان‌ها از زمان‌های بسیار دور برای گذران زندگی و انجام کارهای روزمره نیاز به تقسیم‌بندی زمان داشتند و بهترین نشانه‌ها برای این کار به کار گرفتن جایگاه خورشید، ماه و شکل‌های گروهی ستارگان بود. مصریان قدیم و بابلی‌ها در این زمینه گام‌های بلندی برداشته بودند. آنها دریافته بودند که از یک هلال ماه تا هلال بعدی کمی بیش از ۲۹ شبانه روز طول می‌کشد و نیز ۱۲ صورت آسمانی از تجمع ستارگان یافته و نتیجه گرفته بودند که عبور خورشید از هر یک از این صورت‌های آسمانی حدود ۳۰ شبانه روز (بین ۲۸ تا ۳۲ روز) طول می‌کشد. جوامع نخستین تدریجاً توانستند سه نوع گاه‌شمار ابداع کنند.

### ۱- گاه‌شمار قمری:

این گاه‌شمار بر پایه گردش ماه به دور زمین است و یک سال قمری ۳۶۷/۳۵۴ روز است. گاه‌شمار هجری قمری یک نمونه رایج از این نوع گاه‌شماری در کشورهای اسلامی است.

### ۲- گاه‌شمار شمسی - قمری:

در این گاه‌شمار ماه‌ها قمری ولی طول سال خورشیدی است. در این حالت هر سه سال یک ماه کبیسه اضافه می‌شود. گاه‌شماری‌های عبری، چینی و یونانی شمسی - قمری هستند.

### ۳- گاه‌شمار خورشیدی (شمسی):

این گاه‌شمار از روی حرکت زمین بدور خورشید تنظیم شده (قبلاً آنرا حرکت خورشید در آسمان می‌دانستند) و دقیق‌تر از سایر گاه‌شمارهاست. گاه‌شمارهای یزدگردی، جلالی، هجری شمسی و میلادی همگی خورشیدی هستند.

مدت زمان لازم برای یک چرخش کامل زمین به دور خورشید ۳۶۵/۲۴۲۱۹۰ روز است - یعنی ۳۶۵ روز، ۵ ساعت، ۴۸ دقیقه و ۵۶ ثانیه. به این می‌گویند سال نجومی.

### گاه‌شمارهای باستانی:

یکی از قدیمی‌ترین گاه‌شماری‌ها مربوط به بابل است که یک گاه‌شمار شمسی قمری بوده و هر ماه با مشاهده هلال باریک ماه

در غروب روز قبل شروع می‌شده. در این گاه‌شماری هر سه سال یک ماه اضافه می‌شد تا ماه‌ها با فصل‌ها هماهنگ شوند. این گاه‌شمار تدریجاً به یک گاه‌شمار خورشیدی با ۱۲ بخش (برج) تبدیل شد.

### دایره البروج (Zodiac) چیست:

مسیر حرکت ظاهری خورشید بر روی کره آسمان که به نظر می‌آید خورشید در طی یک سال از بین ۱۲ تجمع ستاره‌ای (صورت‌های آسمانی) عبور می‌کند. مجموعه این نواحی منطقه البروج نامیده می‌شود که با ۱۲ ستون (برج) که هر یک ۳۰ درجه هستند به دایره البروج وصل می‌شوند. بر طبق این گاه‌شماری باستانی خورشید با توفقی بطور متوسط ۳۰ روزه در این برج‌ها از این مسیر در طی یک سال عبور می‌کند که به آن سال خورشیدی برجی گفته شده. در این دایره چهار نقطه مهم وجود دارند به نام‌های اعتدال بهاری، انقلاب تابستانی، اعتدال پاییزی و انقلاب زمستانی.

عبدالرحمان صوفی رازی ریاضی‌دان و ستاره‌شناس بزرگ ایرانی قرن چهارم هجری در کتاب صورالکواکب به تفصیل

نام لاتین - نام انگلیسی - روز شروع	معنی فارسی	نام عربی برج ها	عدد برج
Aries (Ram) - 21 March	قوچ	حمل	۱
Taurus (Bull) - 20 April	گاو نر	ثور	۲
Gemini (Twins) - 21 May	دو پیکر	جوزا	۳
Cancer (Crab) 22- June	خرچنگ	سرطان	۴
Leo (Lion) 23- July	شیر	اسد	۵
Virgo (Virgin) - 23 August	خوشه	سنبله	۶
Libra (Balance) 23- September	ترازو	میزان	۷
Scorpius (Scorpion)- 24 October	کژدم	عقرب	۸
Sagittarius (Archer)- 22 November	کمان (کماندار)	قوس	۹
Capricorns ( Goat) - 22 January	بزغاله	جدی	۱۰
Aquarius (Water Bearer)- 20 January	سطل آبکش	دلو	۱۱
Pisces (Fish)- 19 February	ماهی	حوت	۱۲

### جدول ۱: نام برج‌های دوازده‌گانه به زبان‌های عربی، فارسی، انگلیسی و لاتین

ماه به نام دی روز (روز دادار - خداوند) بودند که به نوعی تقسیمات هفتگی با شروع روز خداوند در اولین روز هر هفته بوده. در این گاه‌شمار شمارش سال‌ها با شروع پادشاهی هر پادشاه از اول شروع می‌شد مثلاً سال دهم حکومت خسرو پرویز.

#### گاه‌شمار یزدگردی:

یزدگرد سوم پسر شاهزاده شهریار و نوه خسرو پرویز و همسرش شیرین، آخرین پادشاه ساسانی بود، بنابراین زمان شروع گاه‌شمار پارسی در اواخر دوره ساسانیان در ایران سال آغاز پادشاهی یزدگرد بود که برابر با سال ۶۳۲ میلادی بود. بعد از اشغال ایران توسط اعراب با وجود رسمیت یافتن گاه‌شمار هجری قمری، این گاه‌شمار تا زمان تدوین گاه‌شمار جلالی بصورت غیر رسمی توسط بسیاری از ایرانیان بکار برده می‌شد. فردوسی تاریخ اتمام شاهنامه در بیست و پنجم اسفند را این‌طور شرح داده: سر آمد کنون قصه یزدگرد به ماه سپندار مذ روز ارد

شمار خورشیدی ۳۶۵ روزه بود که شامل ۱۲ ماه سی روزه و ۵ روز اضافی در پایان سال بود که پنجه دزدیده نامیده می‌شد. شروع سال با آغاز اعتدال بهاری بوده یعنی هنگامی که طبیعت دوباره زنده شده و طول روز و شب مساوی است. نام ماه‌ها برگرفته از نام اهورامزدا یا دادار (دی)، امشاسپندان یا ایزدان برتر (۳) شامل بهمن (ایزد نگهبان جانوران) اردیبهشت (ایزد نگهبان آتش‌های مینوی)، شهریور (ایزد نگهبان فلزات)، سپندارمذ (ایزد نگهبان و سرپرست زمین‌ها)، خرداد (ایزد نگهبان دریاها و رودها)، امرداد (ایزد نگهبان گیاهان) و سایر ایزدان (فروردین، تیر، مهر، آبان، آذر) بودند.

در این گاه‌شمار هفتگی وجود نداشته و هر روز ماه نامی داشته. هر گاه نام ماه و روز یکی می‌شد، ایرانیان آنروز را جشن می‌گرفتند، مثلاً روز مهر که شانزدهمین روز ماه بود در ماه مهر، مهرگان نامیده می‌شد و روز جشن پاییزی بود و روز تیر که روز سیزدهم ماه بود در ماه تیر، جشن تیرگان بود (۴). البته باید توجه داشت که روزهای اول هر ماه بنام هرمزد (اهورامزدا - خداوند) و روزهای هشتم، پانزدهم و بیست و دوم هر

درباره صورت‌های آسمانی و برج‌های دوازده‌گانه منطقه البروج بحث کرده ولی مطالعات جدید نشان می‌دهد که امروزه این برج‌ها دقیقاً با صورت‌های آسمانی خود همسان نیستند مثلاً در برج حمل خورشید بیشتر در صورت آسمانی حوت قرار دارد و یا اینکه در برج عقرب خورشید بیش از صورت آسمانی عقرب، در صورت آسمانی دیگری بنام مار افسای توقف می‌کند که جزیی از برج‌های دوازده‌گانه نیست.

#### گاه‌شمارهای پارسی:

گاه‌شمار پارسی قدیم که در زمان هخامنشیان به کار می‌رفته یک گاه‌شمار شمسی قمری بوده که مطابق با گاه‌شمار بابلی بوده و البته شباهت‌هایی نیز با گاه‌شمار هندی داشته ولی در نواحی شرقی ایران گاه‌شمار اوستایی کهن که شباهت زیادی به گاه‌شمار هندی داشته رواج داشته و آن‌طور که در اوستا ذکر شده سال دو فصل هفت ماهه و پنج ماهه داشته. از اول فروردین تا اول آبان تابستان و از اول آبان تا آخر اسپندارمذ زمستان بوده. گاه‌شمار اوستایی نو که در اواخر دوره هخامنشی و بخصوص با شروع حکومت پارتیان در ایران رواج یافت یک گاه

**گاه شمار رومی:**

آنها اقتباس شده از گاه‌شمار یونانی می‌دانند که ابتدا شمسی - قمری بوده و ده ماه داشته و سال با اعتدال بهاری شروع می‌شده ولی بعداً دو ماه ژانویه و فوریه به آن اضافه شده. بعضی‌ها آغاز آن را تاریخ بنای شهر روم یعنی سال ۷۵۳ قبل از میلاد می‌دانند.

**گاه شمار میلادی قدیم - ژولینی**

این گاه‌شمار که بنام ژولیوس سزار نامیده شده، با تغییراتی در گاه‌شمار رومی تدوین شده از جمله مبدأ آن به میلاد مسیح تغییر یافته. در این گاه‌شماری سال ۳۶۵/۲۵ روزه بوده و به‌علت دقیق نبودن محاسبه کیبسه، این گاه شمار هر ۱۲۸ سال نسبت به زمان واقعی یک روز عقب می‌افتاد. این گاه‌شمار که امروزه فقط جهت مناسبت های مذهبی در کشورهای مسیحی ارتدکس به کار می رود به‌علت دقیق نبودن دو هفته از زمان واقعی عقب افتاده و ارتدکس ها مناسبت‌هایی مثل کریسمس، جشن اول سال نو میلادی، مراسم مذهبی ایستر و غیره را با فاصله دو هفته اختلاف با گاه‌شمار گریگوری (اصلاح شده) انجام می‌دهند. با کمی دقت به نام ماه‌ها می‌توان فهمید که این گاه‌شمار ابتدا در ماه مارس یعنی در زمان اعتدال بهاری شروع می شده و بعداً به اول ژانویه منتقل شده. بجز چند ماه که نام خدایان روم باستان و نیز نام دو امپراتور روم را دارند بقیه ماه‌ها نام‌های اعداد هفت تا ده دارند.

**گاه شمار میلادی جدید - گریگوری:**

این گاه‌شمار امروزه یک تقویم بین‌المللی است و به‌جز چهار کشور ایران، افغانستان، ایتویپی و نپال در سایر کشورها گاه‌شمار رسمی است. از آنجا که گاه‌شمار ژولینی سال را ۳۶۵/۲۵ روز (معادل ۳۶۵ روز و ۶ ساعت) محاسبه و به‌طور اتوماتیک هر چهار سال را کیبسه اعلام می‌کرد در نتیجه آغاز سال هر ۱۲۸ سال یک روز عقب می‌افتاد، این اختلاف تا سال ۱۵۸۲ به ۱۰ روز رسیده بود. در این سال با اصلاحاتی که انجام شد مدت ۱۰ روز از تاریخ حذف گردید و کیبسه‌گیری با اصلاح مدت زمان یک سال به ۳۶۵/۲۴۲۱ روز که دقیق‌تر است محاسبه شد. این اصلاحات توسط پاپ گریگوری تایید و روز بعد از ۴ اکتبر ۱۵۸۲ به ۱۵ اکتبر تغییر یافت. از آن تاریخ این گاه‌شمار جدید به گاه‌شمار میلادی گریگوری معروف شد که بسیار دقیق‌تر بود و توانست عقب ماندگی یک روز را به هر ۳۳۲۰ سال برساند. تفاوت زمانی این دو گاه شمار اکنون به ۱۴ روز رسیده.

**اشکالات گاه‌شمارهای میلادی:**

اگر چه گاه شمار گریگوری از ژولینی بسیار دقیقتر است ولی دقت آن به اندازه گاه‌شمار جلالی نیست. هر دو گاه‌شمار میلادی اشکالات بزرگی در عدم هماهنگی با فصول و اعتدال بهاری دارند و شروع سال کمی بعد از شروع زمستان با هیچ نشانه محیطی و یا برج‌های آسمانی هماهنگی ندارد. ماه‌های سپتامبر تا دسامبر که شماره های ۷ تا ۱۰ هستند در جای مناسبشان نیستند و این نشان می‌دهد که آنها جابجا شده‌اند. کیبسه‌گیری بجای پایان سال، در ماه دوم یعنی فوریه انجام می‌شود و عید پاک (ایستر) با تقویم میلادی قابل محاسبه نیست و برای آن از یک تقویم شمسی قمری باستانی استفاده می‌شود که در هر سال مختلف و بین ۲۲ مارچ و ۲۵ آوریل است.

English name	Original name (Latin)	Definition
March	Mars	God of war, Agriculture guardian
April	Aperier	To open ( flowers begin to open)
May	Maius	Greek Goddess ( Maia)
June	Junius	Roman Goddess (Juno)
July	Julius	Julius Caesar - Room Eppera
August	Augustus	Augustus- Room Eppera
September	Septem	Seven (Number)
October	Octo	Eight (Number)
November	Novem	Nine (Number)
December	Decem	Ten (Number)
January	Janus	Roman God of beginning
February	Februalia	The Roman Festival of purification

**جدول ۲: نام ماه‌های میلادی، ریشه‌یابی و مفاهیم آنها از مارس تا فوریه**

باید اضافه کرد که نام ماه August ابتدا Sixtilis به معنی ششمین بوده که بعداً برای بزرگداشت نام Augustus Caesar اولین امپراتور روم به August تبدیل شد. همچنین نام ماه July قبلاً Quintilis به معنی پنجمین بوده و چون درگذشت ژولیوس سزار در این ماه بوده جهت گرامیداشت این امپراتور بزرگ نام ماه به July تغییر یافت و این ثابت می‌کند که مارس ماه آغاز سال بوده. می‌توان حدس زد که نام Janus (ماه خدای آغاز) مشابه یلدای پارسی در آغاز ماه دی به معنی تولد خورشید باشد و نیز Februalia (ماه تصفیه و تمیز کردن) مشابه مراسم خانه‌تکانی ایرانیان در اسفند ماه و قبل از شروع سال نو باشد که طی آن تمام وسایل خانه را تمیز و وسایل زائد را تصفیه کرده و دور می‌اندازند. در ضمن ماه محاسبات کیبسه که قاعدتاً باید در آخر سال باشد در ماه فوریه است، پس فوریه همچون اسفند ماه آخر سال بوده.

به این ترتیب سه گروه شامل ریاضی دانان و ستاره‌شناسان در سه شهر اصفهان، ری و نیشاپور تحقیقاتی را برای اصلاح آن شروع کردند. از اعضای شناخته شده این گروه‌ها افرادی چون حکیم عمر خیام (ریاضی‌دان، فیلسوف، ستاره‌شناس و شاعر)، مظفر اسفزاری (ریاضی‌دان و ستاره‌شناس)، ابوالعباس لوکری (فیلسوف) بودند و ریاست این گروه‌ها با عبدالرحمان منصور خازنی (ریاضی‌دان و متخصص در علم هندسه) بود. آنها پس از بررسی‌های دقیق تصمیم گرفتند ۱۸ روز نخست فروردین ماه یزدگردی را به عنوان کبیسه‌گیری در آخر سال ۴۴۷ یزدگردی حذف و روز نوزدهم که با شروع اعتدال بهاری منطبق بود را روز اول فروردین قرار دهند. بدین‌گونه اول فروردین سال نو (برابر با دهم رمضان سال ۴۷۱ هجری قمری) را که سال شروع سلطنت جلال‌الدین‌ملک‌شاه سلجوقی بود را سرآغاز این گاه‌شمار جدید قرار داده و آنرا تقویم جلالی نامیدند. در گاه‌شماری جلالی بر طبق نوشته منصور خازنی در زیج سنجر طول ماه‌ها مطابق توقف آفتاب در برج‌های دوازده گانه بین ۲۹ تا ۳۲ روز بوده.

### تغییرات در تقویم جلالی:

گاه شمار جلالی تا زمان ترور نظام‌الملک و مرگ ملک‌شاه که هر دو در سال بیستم جلالی روی دادند گاه شمار رسمی ایران بود ولی پس از مدتی دوباره گاه شمار هجری قمری جایگزین آن شد.

### گاه شمار هجری شمسی:

در سال ۱۳۰۲ هجری قمری (۸۰۷ جلالی) عبدالغفار خان نجم الدوله اصفهانی معلم ریاضیات مدرسه دارالفنون و منجم باشی ناصرالدین شاه قاجار دو تغییر در تقویم جلالی که در آن دوره گاه شمار غیر رسمی بود داد. اول تغییر مبدا گاه شمار از شروع پادشاهی ملک‌شاه به هجرت پیامبر اسلام و دوم تغییر نام ماه‌ها از نام ایزدان پارسی به نام‌های عربی برج‌های دوازده گانه آسمانی، ولی اساس این گاه‌شمار همچنان گاه‌شمار جلالی بود. بدین ترتیب آن سال بجای سال ۸۰۷ جلالی سال ۱۲۶۴ هجری شمسی اعلام شد.



### گاه شمار چینی:

یک گاه‌شمار شمسی - قمری است. شروع سال نو معمولاً بین اواخر ماه ژانویه و میانه ماه فوریه نوسان می‌کند. چینی‌ها نیز به شکلی به برج‌های فلکی ۱۲ گانه معتقدند ولی آنها ۱۲ حیوان هستند که هر سال به نام یکی از آنهاست و بعد از ۱۲ سال این سیکل تکرار می‌شود. این گاه‌شمار دقیق نبوده و ارتباطی به اعتدال بهاری و سایر حوادث طبیعی ندارد. کشور چین به‌عنوان آخرین کشور در سال ۲۰۱۲ استفاده از آن را پایان داده و گاه‌شمار میلادی (گریگوری) را جایگزین این گاه‌شمار کرد. امروزه در تمام کشورهای آسیای شرقی این گاه‌شمار فقط جهت مناسبت‌های سنتی و فال‌گیری به کار می‌رود.

### گاه شمار هجری قمری:

این گاه‌شمار که تاریخ آن به قبل از اسلام می‌رسد بنا بر تصمیم رهبران اسلامی در زمان خلیفه دوم در سال ۶۲۲ میلادی با قراردادادن هجرت پیامبر اسلام در ابتدای آن و از روز اول محرم همان سال به تقویم اسلامی تبدیل شد و برای مدت طولانی گاه‌شمار رسمی کشورهای اسلامی بوده ولی به‌علت ناکارآمدی، امروزه جز جهت استفاده برای مناسبت‌های مذهبی کاربرد دیگری ندارد. عربستان سعودی به‌عنوان آخرین کشور اسلامی در سال ۲۰۱۶ گاه شمار میلادی را جایگزین آن کرد. این گاه‌شمار ۱۲ ماه ۲۹ یا ۳۰ روزه دارد و شروع هر ماه با رویت هلال باریک ماه در شب قبل از روز بیست و نهم و یا سی‌ام ماه قبل است. سال تقویمی آن ۳۶۷ و یا ۳۵۵ روز در سال‌های کبیسه است یعنی هر سال ۱۰ تا ۱۱ روز از سال خورشیدی کوتاه‌تر است.

### اشکالات گاه‌شمار هجری قمری:

مهمترین مشکل آن غیر ثابت بودن ماه‌ها و چرخش مناسبت‌ها در طول سال است. ماه‌ها هیچ‌گونه انطباقی با فصل‌ها، اعتدال بهاری و دیگر حالات طبیعی سال ندارند. برای مثال دو ماه ربیع الاول (به معنی ماه اول بهاری) و ربیع الثانی (به معنی ماه دوم بهاری) ممکن است به‌جای بهار در پاییز یا زمستان باشند. از آن عجیب‌تر دو ماه جمادی‌الاول و جمادی‌الثانی به معنی ماه اول و دوم یخبندان بعد از دو ماه با نام‌های بهار می‌آیند یعنی یخبندان زمستان بعد از بهار آغاز می‌شود آن هم در سرزمین سوزان عربستان.

### گاه‌شمار جلالی:

تدوین این گاه‌شمار به درخواست خواجه نظام‌الملک وزیر دانشمند و با تدبیر سلجوقیان بود. او همچنین نویسنده کتاب مشهور سیاست نامه و بنیان‌گذار مدارس نظامیه بود. علت این تصمیم نیاز به یک تقویم دقیق خورشیدی برای امور کشاورزی و نیز اخذ مالیات بود زیرا تقویم یزدگردی در اثر عدم دقت در محاسبه کبیسه‌ها تغییر کرده بود و اول نوروز (اعتدال بهاری) تا سال ۴۴۷ یزدگردی ۱۸ روز جابجا شده بود.

**یادداشت‌ها:**

۱- گاه شمار جلالی به نام های ملک‌شاهی و ملکی نیز نامیده شده.

۲- در سال ۱۴۰۳ هجری شمسی همچون ۲۰۲۴ میلادی سال کبیسه خواهیم داشت و یک روز به تقویم‌های ما اضافه می‌شود. روز اضافی در گاه‌شمار میلادی ۲۹ فوریه (ماه دوم سال) و در گاه‌شمار جلالی (هجری شمسی) ۳۰ اسفند (ماه آخر سال) است. هر چهار سال یک بار سال کبیسه می‌شود ولی هر ۳۲ سال یک بار کبیسه را به جای چهار سال پنج ساله انجام می‌دهند. دلیلش این است که تفاوت میان سال نجومی و سال تقویمی در یک دوره چهار ساله دقیقا ۲۴ ساعت نیست بلکه ۲۳/۲۶۲۲۲۲ ساعت است.

۳- از نظر ایرانیان قدیم امشاسپندان ایزدان برتر هستند. این ایزدان مینوی بر بسیاری از پدیده‌های طبیعی جهان مادی نظارت دارند. در اوستا ذکر شده که روزی وهومن (بهمن) که ایزد نگهبان جانوران است زرتشت را به نزد اهورا مزدا برد و پس از انتخابش بعنوان پیامبر او با یکایک امشاسپندان همپرسیگی (گفتگو) کرد و آنها توصیه‌هایی به او کردند. ابتدا بهمن در مورد نژاد و نکشتن جانوران و نیز رسیدگی و تیمار آنها سخنانی گفت. در ملاقات بعدی ارت وهیشت (اردیبهشت) درباره نیکو نگه داشتن آتش بهرام و سپس شهریور درباره سود جویی درست از فلزات، بعد اسپندارمذ (اسفند) درباره نظم بخشیدن به زمین، ده و روستا نظر داد. در مرحله بعد خرداد که نگهبان دریاها و رودهاست درباره نیکو داشتن و حفظ آبها و سرانجام مرداد که نگهبان گیاهان است زرتشت را درباره حفظ و نکو داشت گیاهان پند داد. تمام این گفتگوها در طول یک زمستان پنج ماهه روی داده.

۴- مسعود سعد شاعر قرن پنجم درباره جشن آبانگان که در دهمین روز آبان برگزار می‌شد این‌طور گفته:  
آبان روز است و ماه آبان - خرم گردان به آب رز جان

**منابع:**

ویکی پدیا، خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، اوستا کهن‌ترین گنجینه مکتوب ایران باستان - هاشم رضی، سایت بی‌بی‌سی فارسی - کبیسه چیست، لغت نامه دهخدا

Dictionary.com• Encyclopaedia Britannica

پس از انقلاب مشروطه در سال ۱۳۲۹ هجری قمری (۱۲۸۹ هجری شمسی) یکی از نمایندگان مجلس دوم شورای ملی به نام میرزا عبدالحسین وحیدالملک شیبانی پیشنهاد کرد که گاه‌شمار رسمی کشور از هجری قمری به هجری شمسی تغییر یابد.

سرانجام در مجلس پنجم در ۲۱ دی ۱۳۰۳ شمسی بیش از ۴۰ نماینده طرحی به مجلس دادند و درخواست کردند تا از سال آینده نام‌های ایرانی برای ماه‌ها به کار روند. این طرح در مجلس تصویب شد و دولت مکلف شد که از آغاز سال ۱۳۰۴، سال از فروردین شروع و به اسفند خاتمه یابد و بدین ترتیب از سال ۱۳۰۴ در دوره نخست‌وزیری سرار سپه (بعدارضا شاه) گاه‌شمار هجری شمسی، گاه‌شمار رسمی ایران شد. بر طبق مصوبه مجلس نام ماه‌ها تغییر و مجدداً به نام‌های پارسی یعنی نام اهورامزدا و ایزدان برگردانده شدند و طول ماه‌ها با کمی تغییر نسبت به ماه‌های برجی منظم و به صورت امروزی درآمدند.

در افغانستان در سال ۱۳۴۰ هجری قمری گاه شمار رسمی تبدیل به هجری شمسی شد (سال ۱۳۰۱ هجری شمسی) و برای ماه‌های سال نام‌های عربی برج‌های فلکی انتخاب شد. از سال ۱۳۳۷ هجری شمسی طول ماه‌ها با ماه‌های ایرانی برابر ولی در نام آنها تغییری داده نشد.

**نتیجه**

گاه شمار جلالی را می‌توان کامل‌ترین و دقیق‌ترین گاه‌شمار جهان دانست زیرا تنها گاه‌شماری است که ماه‌ها با فصل‌ها هماهنگ هستند. شروع اولین ماه هر فصل منطبق با اعتدال بهاری، انقلاب تابستانی، اعتدال پاییزی و انقلاب زمستانی است. جشن شروع سال نو بر خلاف گاه‌شمار چینی که هر سال تغییر می‌کند و گاه‌شمار میلادی که اوایل زمستان است، در گاه‌شمار جلالی در اول بهار و در زیباترین حالت طبیعت است. این گاه‌شمار با کبیسه‌گیری سالانه در آخر سال برخلاف گاه شماری ژولینی که هر ۱۲۸ سال یک روز عقب افتادگی دارد و گریگوری که هر ۳۳۲۰ سال یک روز عقب می‌افتد، هیچ‌گونه اشتباهی ندارد. در گاه‌شمار اصلاح شده جلالی (هجری شمسی) بر خلاف سایر گاه‌شمارها تعداد روزهای ماه‌ها منظم و یادگیری آنها آسان‌تر است یعنی شش ماه اول ۳۱ روزه، پنج ماه بعدی ۳۰ روزه و ماه آخر ۲۹ روزه (۳۰ روز در سال‌های کبیسه) و در پایان لازم است ذکر شود که نام ماه‌های جلالی و هجری شمسی زیبا تر هستند و معانی مناسب‌تری دارند. برای مثال در گاه‌شمار میلادی نوامبر به معنی نهم و دسامبر به معنی دهم در واقع نام ماه‌های یازدهم و دوازدهم سال هستند و نیز ماه‌های یخبندان اول و دوم در گاه‌شمار هجری قمری بعضی سال‌ها وسط تابستان هستند و نام‌های سرطان (خرچنگ)، عقرب، ترازو، سطل، گاو نر و بزغاله در گاه‌شمار برجی نام‌های زیبایی برای ماه‌های سال نیستند در حالی که نام‌های جلالی که برگرفته از پارسی باستانی هستند نام‌های اهورامزدا، امشاسپندان (ایزدان برتر) که نگهبانان پاکی و کرامت می‌باشند و نیز نام‌های سایر ایزدان مینوی هستند.

هنر

## تاریخچه پای (Pie) در استرالیا

ایمان کاتوزیان



پای گوشت توسط مهاجران بریتانیایی در قرن هجدهم به استرالیا آورده شد. اولین پای گوشت وعده غذایی ساده‌ای بودند که بر پایه خمیر آماده می‌شد و محتوای آن گوشت و سس گوجه‌فرنگی (Tomato sauce) بود. پای یک وعده غذایی مناسب و قابل حمل برای کارگران و مسافران بودند و به سرعت به یک غذای محبوب در استرالیا تبدیل شد.

با گذر زمان، ظاهر و طعم پای گوشت تغییر کرد و با الهام گرفتن از انگلستان، استرالیایی‌ها شروع به آزمایش با مواد مختلف برای ایجاد نسخه خود از این غذای کلاسیک کردند. تاریخ دقیق تولید اولین پای گوشت مبهم است، اما ما می‌دانیم که علاقه استرالیایی‌ها به پای گوشت در قرن هجدهم افزایش یافت و در قرن نوزدهم به یک وعده غذایی اصلی تبدیل شد.

امروزه، می‌توانید پای گوشت با محتوای متفاوت از گوشت گاو و کلیه تا مرغ و قارچ پیدا کنید، و بسیاری از نانواپی‌ها و رستوران‌ها نسخه‌های منحصر به فرد خود از این غذای کلاسیک را ارائه می‌دهند. در واقع، پای گوشت به اندازه‌ای در استرالیا محبوب شده است که حتی به عنوان غذای ملی کشور نیز نامیده شده است! به گزارش روی مورگان، تقریباً ۴۷,۵ درصد جمعیت استرالیا، علاقه دارند که پای بخورند. این افزایش نسبت به سال ۲۰۱۳ چشمگیر است به طوری که در سال ۲۰۱۳، ۴۲,۶ درصد جمعیت علاقه به خوردن پای داشتند. همچنین، بیشترین طرفداران پای در جنوب استرالیا زندگی می‌کنند.

آمار روی مورگان همچنین تایید می‌کند که استرالیایی‌ها علاقه دارند همراه با تماشا کردن فوتبال استرالیا (Footy) پای بخورند.

تقریباً ۵۶ درصد از طرفداران AFL (Australian Football League) استرالیا به پای علاقه دارند.

## مواد لازم برای تهیه پای گوشت استرالیایی:

\* ۲ قاشق چایخوری

روغن زیتون

\* ۱ پیاز قهوه‌ای،

خیلی ریز خرد شده

\* ۵۰۰ گرم

گوشت چرخ کرده گاوی

\* نمک و فلفل

\* ۱۶۵ گرم سس پیاز

\* ۲ قاشق غذاخوری

سس ورسترشایر<sup>۱</sup>

\* ۲ قاشق غذاخوری

سس گوجه فرنگی

\* ۲ قاشق غذاخوری

رب گوجه فرنگی

\* ۶ ورق بسته‌بندی شده

خمیر پیش‌پخته پای

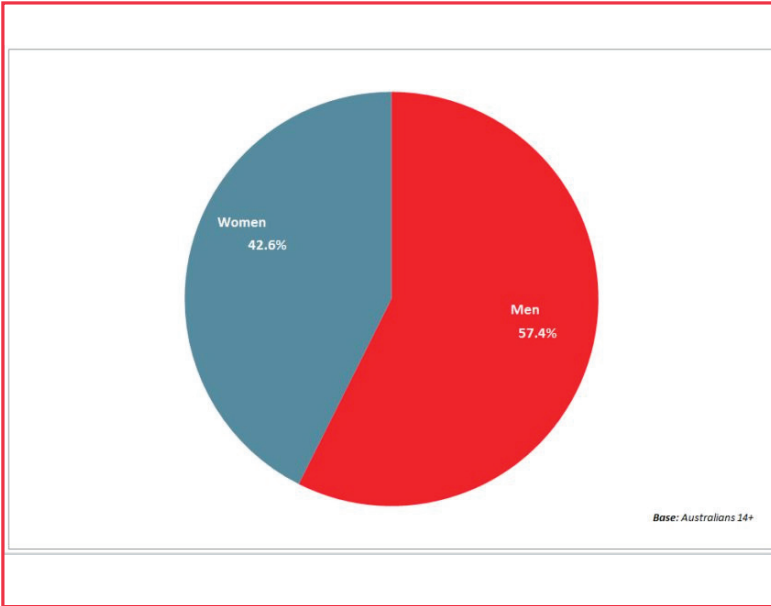
## طرز تهیه:

روغن را در یک ماهیتابه بزرگ با حرارت متوسط گرم کنید.

پیاز را به مدت ۲ دقیقه تفت دهید، گوشت را اضافه کرده، نمک و فلفل را نیز اضافه کرده و به مدت ۲ تا ۳ دقیقه هم زده تا رنگ قهوه‌ای بخود بگیرد.

سس پیاز آماده‌ی استفاده، سس ورسترشایر، سس گوجه فرنگی و رب گوجه فرنگی را مخلوط کرده و هم بزیند. حرارت اجاق را کم کنید و به مدت ۱۰ دقیقه بپزید.

فر را پیش‌گرم کنید. پایه و روی ورق‌های خمیر با استفاده از کاتر پای ساز ببرید.



## فرهنگ

## معرفی شخصیت‌های شاهنامه - رودابه

گردآورنده: سارا سیف

## رودابه

رودابه دختر مهرباب کابلی است که از نسل پنجم ضحاک است که بر سرزمین کابلستان حکمرانی دارد، که البته کشور او با کشور ایران دشمن است. زال که فرمانروای زابلستان است، برای گردش و سیاحت از سرزمین خود پای بیرون می‌نهد و کنار رود هیرمند سراپرده می‌زند که مرز کابل یعنی کشور رودابه است. زال و رودابه بی‌آنکه یکدیگر را دیده باشند از طریق شنیده‌ها و وصف‌ها، عاشق یکدیگر می‌گردند. این عشق چندی در خفا جریان می‌یابد ولی سرانجام برملا می‌شود. شیفتگی جوان و دختر به حدی است که علیرغم موانع سیاسی و دشمنی دیرینه بین دو کشور، منوچهرشاه به پیوند این دو رضا می‌دهد. مهرباب نیز که با سرگرفتن این وصلت خطر هجوم ایران را به کشور خود مرتفع می‌بیند، شادمان است. بدین‌گونه زال و رودابه از آن یکدیگر می‌شوند و از این پیوند رستم به وجود می‌آید. زنان در شاهنامه رای، نظر، استقلال فکری و شخصیت خود را دارند و تا مقام جنگ‌جویی، سرداری در سپاه و پادشاهی رسیده‌اند. ده‌ها زن متشخص، دانا و رای‌زن (صاحب نظر) در شاهنامه وجود دارند. رودابه یکی از این زنان است که کابلی و از خراسان است.

رودابه تنها مظهر عشق، وفا و تدبیر نبود، بلکه او در نقش یک هم‌سر، یکی از باتدبیرترین زنان عالم بود. او در نقش مادر، فرزند قهرمانی چون رستم را پرورش داده است.



## زال و رودابه از عاشق و معشوق های اساطیری هستند

چو بشنید رودابه آن گفت‌گوی  
بر افروخت و گلنارگون کرد روی

دلش گشت پر آتش از مهر زال  
ازو دور شد خورد و آرام و هال

زال در جوانی از جانب منوچهر، پادشاه ایران، حکمران قبایل زابلی شد و پس از این تفویض قدرت روزی برای شکار و تفریح با گروهی مرزهای کشور را در نوردید تا به مرز شهر یا کشور کابل رسید. گروهان زابلی در دشت کابل خیمه را بر پا کردند و سرگرم شکار شدند تا این که یک روز در ملاقات دو جانبه زال و مهراب، زال جوان از وجود رودابه آگاه گشت و با توصیفات همراهان ندیده عاشق رودابه شد. رودابه نیز ندیده دلداده زال گشت، در این میان پرستندگان و ندیمه‌های رودابه وسیله دیدار هر دو عاشق و معشوق را مهیا کردند تا آن دو یکدیگر را از نزدیک ملاقات نمایند. زال باید شبانه از دشت کابل مخفیانه و به دور از نگهبانان کاخ مهراب به قصر رودابه نزدیک می‌شد تا بتواند چهره به چهره با یکدیگر گفتگو نمایند چون راهی جز این وجود نداشت. وصفی که زال از رودابه شنیده بود:

پس پرده او یکی دخترست  
که رویش ز خورشید روشن ترست

ز سر تا به پایش به کردار عاج  
به رخ چون بهشت و به بالا چو ساج

بر آن سفت سیمینش مشکین کمند  
سرش گشته چون حلقه پای بند

رخانش چو گلنار و لب ناردان  
ز سیمین برش رسته دو ناروان

ظاهراً واژه رودابه از دو بخش رود به معنای فرزند و آب به معنای تابش و روشنائی تشکیل شده است و به معنی فرزند تابناک است. رودابه عمر درازی داشته است و پس از مرگ پسرش رستم، در حالتی نزدیک به دیوانگی می‌افتد. رودابه یکی از شخصیت‌های محوری زن شاهنامه است که زندگی اش را در جایگاه همسر و مادر دو قهرمان کلیدی و تأثیرگذار شاهنامه، یعنی زال و رستم می‌توان به چهار بخش اصلی تقسیم‌بندی نمود: پیش و پس از ازدواج با زال؛ زادن رستم؛ زندگی رودابه در جایگاه مادر پهلوان بلامنازع شاهنامه؛ پس از مرگ فرزند.

بر این مبنای، در هر یک از این مراحل، با کنش‌های متفاوت و مختص جایگاه و شرایطی که رودابه در آن قرار دارد، شاهد نوعی پویایی و دگرگونی نسبت به مرحله قبل در این شخصیت هستیم. در مرحله نخست او دختری است مطیع، همگام با هنجارهای اجتماعی و خانوادگی پیرامون خود؛ اما در مرحله بعد به دلیل غلبه احساس و عاطفه، این محدودیت‌های اجتماعی را در هم می‌شکند و سپس در مراحل بعدی زندگی اش رفتار او به حالت عادی و مطابق آنچه که انتظار می‌رود بازمی‌گردد؛ اما پس از مرگ فرزند دوباره دچار نوعی تنش و شوک درونی می‌شود و در نهایت این بحران را نیز پشت سر می‌گذارد.

## ۶۶

**در ادامه به بررسی هر یک از این مراحل در زندگی رودابه خواهیم پرداخت.**

## پیش و پس از ازدواج با زال

رودابه از دیدگاه فردوسی در همان اشارات نخست، دختری بسیار زیبا توصیف شده است؛ آن چنانکه زال، نادیده دل بدو می‌بازد و پدرش نیز با دیدن زیبایی او نام یزدان را بر زبان می‌راند تا فرزندش از چشم زخم درامان باشد شگفتی به رودابه اندر بماند همی نام یزدان بروبر بخواند

گذشته از ویژگی‌های ظاهری بسیار چشمگیر، رودابه از آن دسته دخترانی است که در شخصیت‌اش نوعی نترسی و بی‌پروایی عجیب و وصف ناشدنی و گاه ستودنی دیده می‌شود. دختری با احساساتی شورانگیز و وصف ناپذیر که تنها با یک توصیف عاشق زال شده و در پیشبرد هدف بسیار پویا، با اراده و با اعتمادبنفس، تلاشگر، جسور، سنت شکن، سنت‌گریز و مصمم است و با وجود آنکه از یک سو در بند و حصار یک جامعه سنتی با افکار و محدودیت‌های فرهنگی است و از سویی دیگر، پدرش به جهت پایبندی به سنت‌های جامعه و محدودیت‌های سیاسی با دربار ایران، مانعی بزرگ بر سر راهش است، باز هم دست از تلاش نمی‌کشد و تسلیم نمی‌شود.

رودابه دختری منفعل و ترسو نیست که در اثر ضعف درونی خویش و موانع محیطی و فرهنگی پیش رو نتواند از خواسته قلبی و درونی خود پشتیبانی و محافظت نماید؛ او با اعتماد بنفسی کامل، موانع موجود را نادیده می‌گیرد و در عین استقلال و خودکفایی در پیشبرد هدف، بدون هیچ گونه سرکشی، گستاخی و ضعف شخصیتی، از محرک‌های بیرونی و محیطی از جمله «مادر» و «کنیزکانش» نیز استفاده می‌کند و همین حمایت کنیزکان (در مرحله نخست) و مادر (در مرحله بعد) اند که در پیشبرد هدف او بسیار نقش آفرین واقع می‌شوند؛ به واقع می‌توان گفت رودابه با یک برنامه ریزی کاملاً آرام و حساب شده، هدف خود را

پیش می‌برد و در این میان از سایرین هم کمک می‌گیرد و لجوجانه و بدون فکر عمل نمی‌کند.

بی‌پروایی و جسارت رودابه افزون بر افشای راز میان خدمتکارانش و درخواست یاری از آنان در فراهم آوردن امکان دیدار با زال و نوع رابطه با او نیز مشخص است. او دختری است که با جسارتی کامل یک شب را با معشوقش به بوس و کنار می‌گذراند؛ بدون آن‌که خویشنداری و در پی آن عفت خویش را از دست بدهد؛ با این توصیف، این داستان نیز همچون عاشقانه‌های دیگر شاهنامه فردوسی تأکید می‌کند که میان زال و رودابه آمیزش جنسی صورت نگرفت.

در یک نگاه کلی و با دقت در نوع رفتار و عملکرد رودابه در این ماجرا می‌توان گفت، حرکت رودابه در مسیری توأم با صبر، تأمل و درایت کامل است؛ چراکه با وجود حدت و حرارت بیشمار عشق در وجودش، برعکس زال، حرکت عملی چندانی برای پیشبرد هدف و راضی ساختن پدر از او مشاهده نمی‌گردد، بلکه با یک برنامه‌ریزی کاملاً آرام و حساب شده، هدف خود را پیش می‌برد و در این میان از کنیزکان و مادرش نیز یاری می‌طلبد و خودسر و لجوجانه عمل نمی‌کند که علت این امر را در چند عامل می‌توان تفسیر نمود: رودابه در جامعه‌ای زندگی می‌کند که تابع مقررات و هنجارهای مختص به خود است و از طرفی او و زال در تبار و نژاد، دین و مذهب و نگرش‌های اجتماعی و محیطی متفاوت‌اند. موانع سیاسی نیز مهم‌ترین دلیل است؛ بنابراین رودابه ترجیح می‌دهد تا با معشوق دیداری مخفیانه داشته و صبوری پیشه کند تا مادرش با درایت‌مندی، اوضاع را به نفع او پیش ببرد.

البته با تمام این‌ها، عکس‌العمل‌های او در مواجهه با خود زال این‌گونه نیست و جسارت بیشتری در آن دیده می‌شود؛ چراکه در ابتدای ماجرا این رودابه است که با ترفندی خاص، خدمتکارانش را به

نزد زال فرستاده و نخستین ارتباط را رقم می‌زند و پس از موافقت سام نیز این اوست که ابتدا انگشتر نامزدی را به سوی پسر می‌فرستد.

### زادن رستم

مهمترین نقش رودابه در شاهنامه، زادن رستم است. مسئولیت او در این راستا چنان حساس، مهم، دشوار و غیرطبیعی است که او را در جایگاه تنها شخصیت زن شاهنامه قرار می‌دهد که شایستگی مساعدت‌ها و عنایات سیمرغ را پیدا می‌کند. دردها و سختی‌های پیش از زایمان، دریدن پهلوی و درنهایت زایش رستم را می‌توان نقطه عطف و اوج نمودار زندگی رودابه به شمار آورد؛ چراکه جهان اسطوره و حماسه، منتظر کودک اوست و پس از آن است که دیگر شخصیت رودابه در حاشیه قرار گرفته و تنها در کنار نام فرزند معنا می‌یابد.

### زندگی رودابه در جایگاه مادر پهلوان بلانزاع شاهنامه

نقش رودابه پس از مادر شدن تغییر کرده و همچون دیگر مادران شاهنامه در سایه کنش‌های فرزند بیشتر مطرح شده و اهمیت می‌یابد. او نیز هر چند که مادر یک جهان پهلوان است، اما همچون مادران دیگر، نقش‌اش تنها به دلسوزی‌ها، مهربانی‌ها و نگرانی‌های مادرانه معطوف می‌شود و چندان تفاوت و کنش خاصی از او در این مقطع زمانی مشاهده نمی‌کنیم. پس از زادن رستم او را در چند صحنه آن هم بسیار اندک می‌بینیم؛ از جمله، آن هنگام که رستم برای رها ساختن کیکاوس راهی شده و مادر در وداع با او اشک می‌ریزد.

بیامد پر از آب رودابه روی

همی زار بگریست دستان بروی

همچنین در نبرد رستم با اسفندیار، رودابه از شدت نگرانی موی کنده و بر صورت خویش چنگ می‌اندازد.

ز سر بر همی کند رودابه موی

بر آواز ایشان همی خست روی

### پس از مرگ رستم

در این مقطع زمانی رودابه زنی است، نازکدل با حساسیت‌ها و وابستگی‌های شدید روحی و عاطفی به فرزند که مختص عموم مادران است. رودابه را پس از مرگ رستم، زنی می‌بینیم که دیگر چیزی برای از دست دادن ندارد و تمام آمال، آرزوها، زحمات و ثمره زندگی‌اش را بر باد داده‌اند. مرگ فرزند فشار روحی شدیدی بدو وارد می‌آورد؛ آنچنان که به رفتارها و عکس‌العمل‌های همسر خود زال در مواجهه با مرگ فرزندشان خرده می‌گیرد و او را سرزنش می‌کند، ولی چون پاسخ قانع‌کننده‌ای از نظر خود دریافت نمی‌کند و در نتیجه نمی‌تواند این بحران را به تنهایی پشت سر گذارد دچار نوعی جنون موقت می‌گردد.

نام رودابه نه تنها از این جهت که همسر زال و مادر رستم نام‌آورترین چهره اسطوره‌ای در شاهنامه و به تبع آن، مهم‌ترین چهره اسطوره‌ای ادبیات فارسی است در خاطر می‌ماند بلکه به لحاظ شخصیت نترس و بی‌پروا و ستودنی اوست.

فرهنگ و هنر

## علم و ثروت

امیرعباس کریمی

به امثال خودم هی اشتیاق و شور می دادم  
برای علم و قلم را یقین تا گور می دادم  
حسن دانست در قفل است و من هی زور می دادم  
سونا می رفت با ماساژ و من بوخور می دادم  
فقط به کاروان راهیان نور می دادم  
فقط به بیست و سی اخبار بی سانسور می دادم  
و من سرباز گشتم پست های واقعا ناجور می دادم  
و من خدمت به ممد قیمه با کافور می دادم  
و من این ور دست ممد در شلم پاسور می دادم  
به مرغابی و کفتر عصرها بلغور می دادم  
به همراه تلمبه قرض به منصور می دادم  
به خارج شهید جانم را چنان زنبور می دادم  
ولی الان می فهمم به خر هم سور می دادم  
چون از نزدیک تعطیل صد از دور می دادم  
به طور قطع فحش خارج از منشور می دادم  
به حلق تشنه ام یک عمر آب شور می دادم

رفیقم داشت دکانی و من کنکور می دادم  
حسن دلالت کیوی بود و من فیزیک می خواندم  
به من می گفت درب علم روی زندگی بسته است  
حسن هی پول پارو کرد و من هی پول می دادم  
حسن هر عید لندن بود و من از فقر اسمم را  
و بی بی سی حسن می دید و من بر عکس و قلم را  
فراری گشت از خدمت به او خدمت فروشی شد  
حسن در پارتی با داف و دوف هی زهرماری زد  
حسن با هر بهانه دست جمعی سور می داد  
حسن یک پرشین کت داشت ام من به جای آن  
حسن هر جمعه اسکی بود و من تیوپ خاور را  
به خارج رفتم و آخر فرار مغزها کردم  
در آنجا منزوی گشتم گمان کردند دانایم  
حسن صوت پیانو بود و من ساز دهل بودم  
اگر می شد که برگردم به آن سیستم که درس دادم  
گمانم جان ادم تشنه پول است اما من

# در ده سال آینده پتانسیل رشد خانه‌ها در ملبورن یا سیدنی کدامیک بیشتر است؟

بابک صالحیان / کارشناس ارشد املاک، مدیر عامل و مؤسس شرکت مشاوره ای تخصصی: Property Analyzer Group



\* \* \* \* \*  
 با شادباش سال نو ایرانی  
 به هموطنان عزیز و  
 آرزوی تندرستی و  
 توانگری بی‌ش از پیش  
 \* \* \* \* \*

Median house price change/year over a given period (%)

Region	2003-2013	2013-2023	2003-2023
Sydney	2.4	7.6	4.9
Melbourne	5.0	6.1	5.6
Brisbane	2.7	6.5	4.5
Adelaide	3.6	6.1	4.9
Perth	6.7	3.0	4.9
Hobart	3.3	6.4	4.8
Darwin	5.9	0.0	2.9
ACT	2.9	6.1	4.5
Combined Capitals	3.9	6.4	5.1
Combined Regionals	2.4	6.2	4.3
National	3.6	6.4	4.9

Table : Property Analyzer Group / Babak Salehian  
 Data Extracted From CoreLogic



جدول (۱) به باور من جدول بسیار ارزشمندی است که با توجه به داده‌های بلند مدت شرکت کورلاجیک و توسط شرکت ما ساخته شده است و رشد سالیانه قیمت خانه‌ها به ازای هر سال برای تک تک شهرهای کپیتال استرالیا، مجموع رجینال‌ها، مجموع شهرهای کپیتال و در سطح ملی را نشان می‌دهد.

اینجا رشدهای سالیانه در طول ده سال منتهی به دسامبر ۲۰۱۳ و ۲۰۲۳ و همچنین ۲۰ سال منتهی به دسامبر ۲۰۲۳ بیان شده است و می‌تواند تایید کننده بسیاری از آنالیزها روی تک تک این نواحی باشد.

ما در اینجا تنها روی کلان شهرهای سیدنی و ملبورن تمرکز می‌کنیم. همان‌طور که می‌بینید سیدنی در ده سال منتهی به ۲۰۱۳ تنها سالی ۲/۴ درصد و ملبورن بیش از ۲ برابر سیدنی یعنی ۵ درصد در سال رشد کرده است!

سپس بین سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۳ سیدنی هر سال ۱/۵ درصد بیشتر از ملبورن رشد کرده است و تنها شهری است که در این ده سال قیمت خانه‌ها در آن بیش از ۲ برابر شده اند.

البته همان‌طور که می‌بینید ملبورن در دوره ۲۰ ساله و به ازای هرسال و در مجموع از این نظر از سیدنی پیشی گرفته و به ازای هر سال ۰/۷ درصد و در مجموع حدود ۳۷ درصد از سیدنی بیشتر رشد کرده است.

حال سراغ جدول ۲ می‌رویم که مربوط به شرکت کورلاجیک است و رشد سیدنی و ملبورن بزرگ را به همراه مناطق دیگر از ابتدای دوران کورونا تا ژانویه ۲۴ نشان می‌دهد. همان‌طور که می‌بینید سیدنی در این دوران بیش از ۱۳ درصد از ملبورن بیشتر رشد کرده است و در این دوران ملبورن بدترین عملکرد را در کشور داشته است.

این قطعاً به دلیل لاک داون‌های گسترده و جدی و معروف ملبورن در دوران جناب اندروز بوده است که سبب فرار جمعیت از ملبورن شد و در نتیجه شهری که همواره بالاترین میزان رشد جمعیت را داشت را به شهری با رشد منفی جمعیت تبدیل کرد.

در واقع عملکرد بد ملبورن دقیقاً به عوامل ذاتی رشد مرتبط نبود و بر اثر یک رویداد غیر مترقبه و عملکرد خاص دولت آن بود.

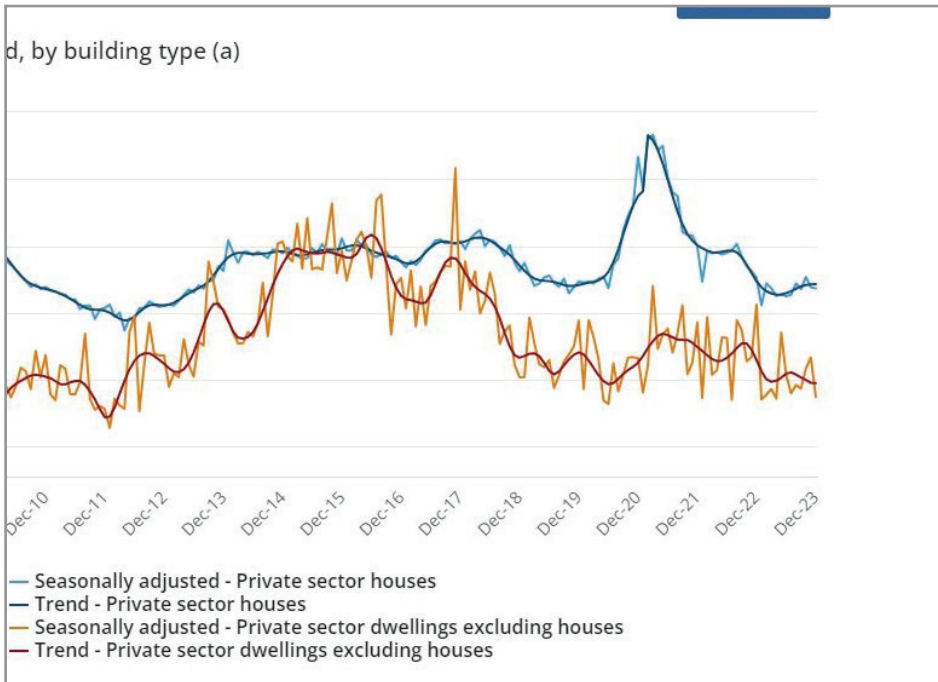
جالب اینجاست که اگر از نظر ریاضی این عملکرد را برای هردو شهر سیدنی و ملبورن در نظر بگیریم رشد سالیانه سیدنی به جای ۱/۵ درصد در ده سال قبل تنها به ۱ درصد بیشتر کاهش می‌یابد.

دقت کنید که رشد سالیانه بیست ساله خانه‌های ملبورن هنوز هم با وجود عملکرد بد این شهر در دوران پندمیک از همه شهرهای کشور از جمله سیدنی بهتر است.

حال اگر به آینده نگاه کنیم بجز عوامل مختلف مانند توزیع ثروت و در آمد و توزیع فاکتورهای مختلف اجتماعی اقتصادی و همچنین عوامل مختلف مانند استرس و ام‌ها و اجاره‌ها، نوع مهاجرت‌ها و چند فاکتور دیگر که از حوصله این مقاله خارج است دو عامل بسیار مهم و تاثیرگذار می‌تواند بازی رشد خانه‌ها (در اینجا منحصرأ روی خانه‌ها و نه یونیت‌ها بحث شده است) را برای سیدنی و ملبورن به سود یکی از این دو خاتمه دهد.

اولی به باور من رشد جمعیت ملبورن است که هم اکنون بعد از پرت در رده دوم است و طبق داده‌های با اعتبار بالا مربوط به دولت استرالیا این کلانشهر با ۱/۷ درصد رشد سالیانه در ده سال آینده سالی ۰/۵ درصد بیش از سیدنی افزایش جمعیت خواهد داشت. این افزایش جمعیت مجموع ازدیاد طبیعی جمعیت، ازدیاد جمعیت بر اثر مهاجرت‌های بین‌ایالتی (که در این مورد برای سیدنی نرخ منفی

	Onset of COVID to Jan 2024 (%)	Onset of COVID to Jan 2024 (\$)
Sydney	24.2%	\$218,365
Melbourne	10.9%	\$76,155
Brisbane	52.0%	\$272,637
Adelaide	53.7%	\$251,985
Perth	49.9%	\$225,254
Hobart	27.6%	\$141,074
Darwin	24.5%	\$98,772
Canberra	30.4%	\$196,722
Regional NSW	45.2%	\$220,493
Regional Vic	33.3%	\$142,030
Regional Qld	52.7%	\$211,133
Regional SA	52.4%	\$135,056
Regional WA	50.5%	\$156,340
Regional Tas	42.3%	\$147,879



**پ.ن: مقاله بالا بیانگر دیدگاه‌های نویسنده آن بر اساس منابع مستند و معتبر است که ممکن است برای خواننده مطلب یاری‌رسان و آگاهی‌دهنده باشد. لطفاً در صورت استفاده از آن منبع را ذکر فرمایید.**

**همچنین نویسنده و نشر کننده مسئولیتی در قبال برداشت و عملکرد دیگران از این نوشته ندارد.**

**پ.ن: برای استفاده از مطالب متنوع و بیشتر می‌توانید به صفحه یوتیوب بابک صالحیان و یا صفحه تلگرام و فیس‌بوک اخبار املاک استرالیا که قدمتی هفت ساله دارد مراجعه بفرمایید.**

در این باره پیش بینی مقایسه‌ای کمی سخت‌تر است چون ساخت خانه‌های جدید به قیمت مصالح ساختمانی، نرخ بهره‌ها، هزینه کارگر متخصص و سیستم و قواعد شهرسازی محلی و ایالتی بستگی دارد که این آخری از دست و پاگیرترین مسایل برای ساخت و ساز در استرالیاست که تأثیر مهمی در عرضه املاک نو در این دو شهر خواهد داشت و در این مورد دست کم داده‌های جدی برای آینده و تصمیم‌گیری‌های آینده نهادهای صاحب اختیار مثل وزارت شهرسازی هر ایالت فعلاً در دسترس نیست که بتوان روی آن مقایسه انجام داد ولی در هر صورت در کل استرالیا در اکثر نقاط امکان‌پذیری ساخت و گرفتن سود کافی با هزینه‌های فعلی تقریباً منتفی است مگر اینکه ارزش املاک افزایش یابد، تورم کارگر و مصالح کاهش یابد و همچنین نرخ بهره‌ها رو به کاهش بگذارد و همچنین دولتمردان در بخش پلنینگ قواعد ساخت و ساز را آسان‌تر کنند تا بخش خصوصی برای ساخت خانه‌های جدید ترغیب شود.

بزرگ و برای ملبورن منفی کوچک خواهد بود) و ازدیاد جمعیت از طریق مهاجر خارجی ست.

این موضوع یک عامل مهم برای تقاضای بیشتر برای مسکن در ملبورن است.

دومین نکته مهم توانایی خرید بسیار بهتر در ملبورن نسبت به سیدنی است (هم‌اکنون حدود ۳۵ درصد بیشتر) و این در حالی ست که توانایی سرویس‌دهی اجاره‌ها در ملبورن از سیدنی بزرگ تنها ۱۷ درصد بیشتر است. بنابراین و بخصوص بلافاصله بعد از کاهش نرخ بهره‌ها که به احتمال زیاد از سه ماهه سوم امسال شروع خواهد شد انگیزه و توان شهروند ملبورنی برای خرید مسکن (و مسلماً خانه) بیشتر خواهد بود.

من تصور می‌کنم بعد از شروع کاهش نرخ‌های بهره قیمت خانه‌ها در هر دو شهر تقویت شود و در صورتی که کشور درگیر رکود اقتصادی که هنوز احتمال آن وجود دارد نشود رشد املاک در ملبورن در یک بازه زمانی ده ساله، دراز مدت، با دامنه کم و احتمالاً قوی‌تر از سیدنی خواهد بود بخصوص که جدول ۱ نشان می‌دهد که ملبورن پتانسیل رشد دراز مدت بیشتری نسبت به سیدنی دارد.

اگر از طرف عرضه هم نگاه کنیم وضع عرضه املاک نو در کشور تقریباً در همه جا خوب نیست و تقریباً تمام پیش بینی‌ها نشان می‌دهند که عرضه خانه‌های نو در آینده دست کم چهار ساله دایماً از تقاضا عقب‌تر خواهد بود. در غرف شماره ۳ مربوط به مرکز آمار استرالیا مشاهده می‌کنید که پروانه‌های ساخت خانه‌ها (رنگ آبی) چگونه از سال ۲۰۲۱ تا آخر دسامبر ۲۰۲۳ حدود ۴۱ درصد سقوط کرده است که این نشانگر کاهش ساخت خانه‌های جدید دست کم در چهار سال آینده است.

SILVER SPONSOR

چھٹنا اور

# GLORIA FURNITURE

☎ 03 9398 1574

0401 585 402

📍 1/13-15 Murray road, Preston, VIC 3072

65 Palladium Cct, Clyde North VIC 3978

✉ [info@gloriafurniture.com.au](mailto:info@gloriafurniture.com.au)

[www.gloriafurniture.com.au](http://www.gloriafurniture.com.au)

Exclusive Brands of  
Turkish Furniture &  
Carpets in Australia



SILVER SPONSOR

چشمه سارافین



**انجام حواله های ویژه  
ویزاهای بیزینسی و دانشجویان**

**حواله آنلاین و تلفنی**

**خدمات متمایز**

- انتقال سریع وجه
- آسایش و امنیت انتقال وجه
- نجام حواله های بالای هزار دلار بدون کارمزد
- انجام حواله های حضوری در ملبورن

**خدمات متمایز**

+61 406 001 994  
+61 398 484 018  
www.sarafialaddin.com



**انجام حواله های ویژه  
ویزاهای بیزینسی و دانشجویان**

**حواله آنلاین و تلفنی**

**خدمات متمایز**

- انتقال سریع وجه
- آسایش و امنیت انتقال وجه
- نجام حواله های بالای هزار دلار بدون کارمزد
- انجام حواله های حضوری در ملبورن

**انجام حواله های ویژه  
ویزاهای بیزینسی و دانشجویان**

**حواله آنلاین و تلفنی**

**خدمات متمایز**

- انتقال سریع وجه
- آسایش و امنیت انتقال وجه
- نجام حواله های بالای هزار دلار بدون کارمزد
- انجام حواله های حضوری در ملبورن



چھٹنا اور

SILVER SPONSOR



C & H LAWYERS  
AND ASSOCIATES

در **C & H LAWYERS AND ASSOCIATES** ما طیف

گسترده ای از خدمات حقوقی را ارائه می

دهیم، از جمله:

- وصیت نامه
- انتقال املاک
- خریدهای تجاری
- مشاوره حقوقی خانواده و طلاق
- پرونده های مهاجرت

با اعتماد به ما می توانید بهترین نتیجه حقوقی

دست یابید و عدالت را در آغوش بگیرید

WWW.CANDHLAWYERS.COM.AU  
EMAIL: INFO@CANDHLAWYERS.COM



0431410788

SILVER SPONSOR

جهش‌ناور

شرکت حسابداری efa Group با استفاده از یک تیم مجرب از حسابدارانی با بیش از 40 سال سابقه کار در استرالیا، آماده خدمت به هموطنان گرامی در زمینه مشاوره امور مالی و مالیاتی می باشد. ما یکی از اندک حسابداران فارسی زبان هستیم که خدمات کامل حسابداری صندوق بازنشستگی تحت مدیریت شما را ارائه می‌دهیم.

Contact:  
03 881112  
0432079869  
[info@efagroup.com.au](mailto:info@efagroup.com.au)



برخی از خدمات ارائه شده توسط efa Group :

- محاسبه مالیات کسب و کارها TAX
- محاسبات ارزش افزوده GST
- حسابداری صندوق بازنشستگی تحت مدیریت شما SMSF
- محاسبات سود خرید و فروش املاک Capital Gain
- محاسبات حقوق کارمندان Payroll
- بیمه کارمندان Workcover
- خدمات ویژه برای دارندگان ویزای بیزینسی



Scan me!

## دلوشته

## دلوشته یک هنرمند

اکرم فلاح



سلام همسفر،

اکرم هستم یک مهاجر.

خیلی وقت بود دلم می‌خواست با کسی

صحبت و درد دل کنم.

اما فرصتی دست نمی‌داد.

منم نزدیک شدن نوروز باستانی رو

غنیمت دونستم و تصمیم گرفتم سفره

دلم رو براتون باز کنم.

میدونید!؟

مهاجرت یک درد غریبی است.

وقتی به هر دلیلی تصمیم به مهاجرت

می‌گیرید. گاهی شده، تکه‌ای کوچکی از

خانه و زندگی وشغلان و یا حتی ابزار،

وسایل و آلبوم‌ها و خیلی یادگاری‌های

ریز و درشت دیگر را با خودمون همراه

می‌کنیم. غافل از این‌که یک چیز بزرگ

و عمیق و ارزشمند رو جا می‌ذاریم

ونمیتونیم با خودمون همراه کنیم.

اون پارت مهم اسمش وطنه.

نمی‌دونم؟

بخشی از روحمون است یا عضوی از بدن

فیزیکی مان اما وقتی به هم می‌ریزد هیچ

چیز و هیچ کس در امان نیست.

برای هر اقلیمی اسم مخصوص به خودش

رو دارد.

وطن من اسمش ایران است.

مشکل از این جا آغاز می‌شود. که هر چند

وقت یک‌بار ایران وجودم درد میگیره.

ضعف میره و ذوق ذوق می‌کنه. بی‌تاب

می‌شه و بهانه جویی، می‌کند.

بعضی وقت‌ها سعی می‌کنم اصلاً بهش

توجهی نشون ندم تا شاید خودش آروم

بشود، ولی زهی خیال باطل، انگار نه

انگار، دردناک‌تر و ملتهب‌تر می‌شود.

مثلاً همه‌مون این تجربه رو داشتیم

وقتی که بعضی از عضوهای بدن مان

بی‌تاب می‌شوند با ماساژ و دارو و مراقبت

و کمپرس‌های گرم و سرد آرام می‌گیرند

ایران وجودمون هم دقیقاً نیاز به توجه و محبت و درمان دارد. مثلاً خیلی وقت‌ها یک مکالمه تلفنی با اقوام یا گذراندن وقت با دوستان یا یک پیاده روی ساده و شاید دیدن یک فیلم بی‌تاثیر نباشد. اما یک درمان موثرتر هم وجود داره. من خیلی از مهاجرها رو دیدم که از این نسخه شفا گرفتند. اونم آوردن وطن به خانه توسط بشقاب، لطفاً نخندید به من؛ گفتم که می‌خوام براتون درد دل کنم. اسم این دارو، غذای ایرانی است. البته این فقط برای ما صدق می‌کند. مثلاً دوستم لیلیا هر وقت بی‌تاب وطن می‌شود، قابلی پلو و منتو درست می‌کند و می‌گوید اسم دواش (غذای افغانی) است. اُسرائ دوست دیگرم سالاد فتوش با رب انار و تکه‌های سرخ شده نان و دلمه‌ی کدو سبز درست می‌کند و می‌گوید اسم دواش (غذای عربی)، فارق از رنگ و بو و طعم‌های متفاوتشان اما همون قدر موثر و درمانگر هستند.

انگار در بشقاب فرای رنگ، طعم و مزه هویت و تاریخ نیز نهفته است که مانند یک حلقه ما را به پیوندهای دیرینی متصل می‌کند. کسانی که دوره‌ای در آن سرزمین با ما و بدون ما زیسته اند و امروز دیگر وجود ندارند.

حالا شما به من بگید این درد و درمان فقط مخصوص منه یا شما همین‌طور هستید؟؟؟

حالا که نزدیک عید نوروز دلم هوای خونه تکونی و خرید لباس‌های نو و عیدی‌های تا نخورده و دید و بازدید اقوام را کرده. اما آسان‌ترین روش تکنیک غذای وطنی هستش. ما شمالی هستیم. یادم وقتی، بچه بودم نزدیک‌های عید ماهیگرهای محلی، ماهی سفیدهای درشت‌شان را به حیاط منزل پدر بزرگم می‌آوردند تا بزرگ‌ترین‌هاشو جدا کند و بخرد.

مثلاً اگر ده تا ماهی سفید دریایی می‌گرفتند فقط دو تا ماهی ماده با شکم‌های پر تخم (خاویار) انتخاب می‌شد. چون نظرشون این بود که گوشت ماهی

نر سفید، بیشتر است و از طعم بهتری برخوردار است.

از نظر شکل ظاهری هم تفاوتی که بین این دو ماهی به چشم می‌آید برجستگی‌های سفید رنگی بود که بر روی سر ماهی نر وجود داشت. خلاصه بعد تهیه ماهی مرسوم بود گردو و سیر و رب انار ترش و سبزی‌های محلی مثل گشنیز و چوچاق و کودکوته و خالی‌واش و نعنای رو با ابزاری به نام نمکیار می‌سابیدند و نمک و فلفل سیاه و قرمز و کمی گلپر اضافه می‌کردند. محصول نهایی شبیه خمیر چسبناک، سیاه‌رنگ و چسبنده‌ای می‌شد که بسیار هم لذیذ بود. در این مرحله شکم ماهی‌های ماده رو پاک می‌کردند و خاویارها را در می‌آوردند و با مواد ترش و چسبند ترکیب می‌کردند و شکم ماهی‌های نر رو بعد از پاک کردند و شستند پُرمی کردند و می‌دوختند. بدین ترتیب آذوقه روزهای بهاری، مهمان نوروزی فراهم می‌شد.

حالا من به فراخور حالم در ملبورن وقتی تصمیم می‌گیرم ماهی شکم پر شمالی درست کنم. بعضی وقت‌ها به تره‌بار پرستون مارکت و بعضی وقت‌ها به بازار ماهی فروشان باکسیل یا فروشگاه کاستکو سری می‌زنم و معمولاً به جای ماهی سفید خزری که اینجا نیست سالمون و یا قزل‌الای درسته تهیه می‌کنم. از بین سبزی‌ها هم یک دسته نعنای و دو سته گشنیز تازه و یک بوته سیر و گردوی فراوان (ایرانی) حدود ۳۵۰ گرم. هر چقدر گردو بیشتر باشه لذیذتر می‌شه. ترکیب را چرخ می‌کنم و با رب انار که از فروشگاه‌های ایرانی تهیه کردم. یک خمیر چسبنده به همراه نمک و گلپر و فلفل می‌سازم. اگر دوست داشتید کمی مزه ترشی غالب باشه می‌تونید یک نوک قاشق چای‌خوری اسیدسیتریک از کلز تهیه کنید و به محصولتون اضافه کنید. (اضافه اسیدسیتریک با همون جوهر لیمو رو برای پخت مریبا استفاده کنید. دیگه شکرک نمی‌زند). بیشتر شبیه شکم‌پُرهای

ترش مزه شمال وطن می‌شود. راستی کمتر پیش میاد تو ملبورن تخم ماهی پیدا کنم. ولی بدون اون هم خیلی لذیذ می‌شه. این ترکیب رو اگر آماده کنید می‌تونید مانند گوشت چرخ کرده بسته‌بندی کنید و در فریزر نگهداری کنید و بعضی وقت‌ها شکم مرغ‌هاتون رو باهاش پر کنید و بعد مرغ درسته را سرخ کنید و اجازه دهید حدود یک ساعت با حرارت و آب کم بپزد. تجربه‌ای بی نظیری خواهد شد.

به من اعتماد کنید. حتی ما شمالی‌ها با همین ترکیب شکم بادمجان‌های قلمی سرخ شده را هم پرمی‌کنیم و با گوجه‌فرنگی ورق شده حدود نیم ساعت بخار پز می‌کنیم. اسمش می‌شه بادمجان کباب هم با نون و هم با برنج لذیذ می‌شه. من که خیلی وقت‌ها با این روش‌ها حال دل خودم و خانواده و دوستانم رو بدست میارم. لطفاً شما هم امتحان کنید، ضرری نداره.

### روش پخت:

اون قدیم‌ها ظروف تفلون مثل الان فراوان نبود و مردم از شاخ‌های درخت نازک پرتغال در کف دیگ‌های روحی یک لایه می‌گذاشتند و کمی روغن اضافه می‌کردند و ماهی را بعد از حدود یک ساعت آرام پختن و بدون آب بتوانند به سادگی از ته ظرف جدا کنند. اما الان با وجود ظروف تفلون یا سرامیکی فقط کافیست به ماهی یک قاشق روغن اضافه کرد به‌روی گاز یا داخل فر حدود ۴۵ دقیقه بپزید.

## معرفی هنرمندان ویکتوریا

# Mentative Art Gallery

تهیه گزارش: رضا داوری



در جهان هنر، هنرمندانی وجود دارند که با ذوق، استعداد و خلاقیت خود، اثرهایی بی نظیر خلق می‌کنند. این مقاله به معرفی یکی از این هنرمندان که در ملبورن ساکن هستند می‌پردازد، عفی دستیار، هنرمند نقاش و موسس گالری هنری Mentative Art می‌باشد. عفی یک هنرمند با استعداد و خلاق است که در زمینه نقاشی فعالیت می‌کند. او در دوران کودکی علاقه زیادی به هنر پیدا کرده و این علاقه را در طول سال‌ها به یک هنر حرفه‌ای تبدیل کرده است.

این هنرمند ایرانی شش سال پیش به ملبورن مهاجرت کرده و از فرصت‌های جدید برای توسعه‌ی استعداد هنری‌اش بهره‌مند شده است. از جمله خصوصیات مهم این هنرمند، علاقه‌ی وافرش به نقاشی بوده که او را به سمت هنر رهنمون کرده است. او علاوه بر اینکه در ایران در زمینه‌ی نقاشی عمومی تحصیل کرده، دارای مدرک لیسانس ادبیات انگلیسی از یکی از دانشگاه‌های معتبر مالزیست.

ایشان در طی سالیان متمادی به بررسی و آزمون فراوانی از تکنیک‌ها و سبک‌های مختلف نقاشی پرداخته و نتیجه این تلاش‌ها سبک منحصر به فردش بوده که ترکیبی است از رئالیسم با عناصر مدرن. و این مشخصه او را از دیگران متمایز می‌کند.

خانم دستیار قدم‌های اولیه در مسیر هنر را در بدو ورود به ملبورن با آموزش نقاشی در استودیوی خانگی خود آغاز کرد. و بعد از آن، در سال‌های اخیر، با تاسیس گالری خود به نام "Mentative Art" در بلک‌برن‌نورث، برای نمایش آثار خود و دیگر هنرمندان فضایی منحصر به فردی ایجاد کرده است.



Mentative Art نامی است که از عبارتی به معنای «هنر ذهنی» گرفته شده و نشان‌دهنده‌ی تاثیر مثبت هنر بر روان و ذهن افراد است. این انتخاب نام نشان‌دهنده‌ی اهمیتی است که عفی به ارتباط بین هنر و آرامش روان می‌دهد. از جمله فعالیت‌های گالری می‌توان به کلاس‌های آموزشی برای تمامی سنین اشاره کرد. این مکان سحرانگیز به دیگران این امکان را می‌دهد تا در محیطی دوستانه با هنر آشنا شده و جزیی از جامعه هنری ملبورن باشند. همچنین، او برنامه دارد که در آینده‌ای نه چندان دور، کلاس‌های دیگری نظیر سفالگری و خط نقاشی و غیره به برنامه‌ی آموزشی گالری اضافه کند.

### کلاس نقاشی بزرگسالان



### کلاس نقاشی کودکان و نوجوانان

“

برگزاری نمایشگاه‌های فصلی نیز، یکی دیگر از فعالیت‌های مهم گالری است. این نمایشگاه‌ها، علاوه بر اینکه به معرفی آثار عفی دستیار می‌پردازند، فرصتی است برای معرفی هنرمندان ساکن ملبورن اعم از ایرانی و غیر ایرانی به جامعه هنری ملبورن.

یکی از مهمترین نمایشگاه‌ها که سالانه برگزار می‌شود، نمایشگاه هنرجوها و هنرمندان جوانی می‌باشد که در کلاس‌های هنری عفی شرکت می‌کنند.

عفی با عشق و علاقه در تلاش است تا یک پل ارتباطی برای معرفی هنرمندان ایرانی و غیر ایرانی ایجاد کرده و از طریق گالری Mentative Art این هنرمندان را به جامعه هنری ملبورن معرفی کند. و همچنین عزیزان علاقه‌مند به هنر، فرصتی داشته باشند تا با این آثار زیبا آشنا شده و از آن‌ها لذت ببرند. همچنین او امیدوار است که گالری نقاشی Mentative Art نیز به عنوان یک فضای معرفی این آثار هنری، نقش مهمی در ترویج هنر و ارتقای فرهنگ هنری ایفا کند.

در نهایت، می‌توان گفت که عفی دستیار با تلاش و پشتکار خود، گام‌های مهمی در راه توسعه هنری خود و ارتباط هنر با جامعه‌ی محلی برداشته است و در آینده نیز امیدوار به دیدن رشد و پیشرفت بیشتر او در عرصه‌ی هنر هستیم.

**ارتباط با هنرمند:**

Mentativeart@gmail.com

www.mentativeart.com



Group Exhibition - Nov 2023



The Exhibition of Mentative Art's Students Aug 2023 – Photographer: Maha.Fashioni

## معرفی هنرمندان

## نوآوری با نگاهی به شکوه تاریخ - معرفی هنرمند به مناسبت روز جهانی صنایع دستی

پریسا مرادی / tdoost\_givehshoes

من پریسا مرادی هستم، متولد آذر ماه ۱۳۶۷،

دانش آموخته دانشگاه هنر چمران اهواز مقطع کارشناسی.

سه ارزش بنیادی من از کودکی تا به امروز:

خلاقیت، صداقت و آگاهی بوده و همیشه سعی داشتم این ارزش‌ها رو وارد زندگی و کارم بکنم.

مجموعه (بوت سرباز صلح): برای من یادآور صداقت و دوستی در جهان، خلاقیت در محصول ایرانی همراه با ترندهای روز دنیا در بستر مدوفشن و آگاهسازی ایرانیان و جهانیان از این تفکر دوستانه بوده.

زمانی داریوش هخامنشی نیمی از جهان را فرماندهی می‌کرد به نام (ایران‌زمین) یا پرشین، و شاه سربازان گارد خودش رو از تمام قومیت‌ها و اعتقادات انتخاب می‌کرد و به دنبال برابری و دوستی بود (در تصویر سربازان گارد جاویدان با نيزه‌ای در دست) منتها من اعتقاد دارم امروزه روز دیگر نيزه و سلاح جنگی نمی‌تونه حافظ و پاسدار یک تمدن و سرزمین باشه و به جای نيزه (گل سرخ رز) رو به دست سرباز جاویدان دادم که نماد عشق هست چرا که مرکز هر انسانی مانند گل سرخیست، در حضور بعضی افراد باز می‌شود و در حضور عده‌ای بسته می‌ماند.



## گل رز

دارای یک فرکانس بسیار بالا، ۳۲۰ الی ۳۵۰ مگاهرتز است. به همین دلیل زمانی که ما در نواحی مانند گلزارها هستیم احساس متعالی‌تری داریم. همان‌طور که انسان‌های مراقبه‌گر و کسانی که دیگران را مورد قضاوت نمی‌دهند نیز دارای فرکانس بالاتری بوده و ما در کنار این اشخاص احساس خوب و راحتی داریم...

من برای سرزمینم و برای تمام انسان‌های جهان آگاهی و دوستی رو خواستارم.





Handmade footwear  
soldier of peace





سال ۳۷۶۲ اوستایی

تقویم ایرانی ۱۴۰۳

## Persian Calendar 1403 + Public and School Holidays in Victoria

لحظه تحویل سال ۱۴۰۳ شمسی به وقت ملبورن (ایالت ویکتوریا) چهارشنبه ۲۰ مارس ۲۰۲۴ میلادی، ساعت ۱۴:۰۶:۰۶

03	March 2024	8. روز جهانی زن 11. Labour Day 12. چهارشنبه سوری 20. جشن نوروز، روز جهانی شادی 25. زاد روز زرتشت 29. Good Friday 30. Saturday before Easter/ Sunday 31. Easter Sunday	09	September 2024	21. روز جهانی صلح 27. Friday before the AFL , Grand Final 29. بزرگداشت مولانا
04	April 2024	1. Easter Monday/ سیزده بدر 20. بزرگداشت سعدی 25. ANZAC Day	10	October 2024	8. جشن مهرگان 5. روز جهانی معلم 11. روز بزرگداشت حافظ روز جهانی دختر 29. روز کوروش 31. جشن آبانگان
05	May 2024	4. روز شیراز. 14. بزرگداشت فردوسی 18. روز جهانی موزه و میراث فرهنگی	11	November 2024	5. Melbourne Cup روز جهانی کودک 29. جشن آذرگان، آذر روز
06	June 2024	روز جهانی محیط زیست. 10. بزرگداشت سعدی 10. King's Birthday	12	December 2024	روز جهانی حقوق بشر. شب چله 25. Christmas Day 26. Boxing Day
07	July 2024	جشن تیرگان جشن امردادگان جشن چله تابستان	01	January 2025	1. New Year's Day زادروز فردوسی 27. Australia Day جشن سده ۲۹
08	August 2024	زادروز داراب (کوروش)، جشن شهریورگان	02	February 2025	جشن سپندارمذگان

### School Holidays:

Autumn break: 29 March 2024 to 14 April 2024

Winterbreak: 29 June 2024 to 14 July 2024

Spring break: 21 September 2024 to 6 October 2024

Summer Break (Eastern): 23 December 2024 to Tuesday 28 January 2025

Iranian events ■

Victoria Public Holidays ■

## گزارش تصویری

## صبحانه پارسی بنیاد یارا

عکاس: سارا استودیو / اینستاگرام: sarastudio.melbourne

Yarra Foundation was hosting a Persian Breakfast in collaboration with Eltham Farmers' Market and Shire of Nillumbik on Sunday 18th of Feb 2024 in Eltham Farmers Market.

صبحانه ایرانی بنیاد یارا در بازار محلی التام ملبورن استرالیا در تاریخ یکشنبه ۱۸ فوریه ۲۰۲۴ از ساعت ۸ صبح تا ۱۲ ظهر برگزار شد.

## بنیاد یارا در بازارچه محلی از زبان برگزارکنندگان:

امسال تصمیم گرفتیم که با حضور بازارچه های محلی بنیاد یارا را به دوستان غیر فارسی زبان بیشتر معرفی کنیم و چه بهانه ای بهتر از غذای ایرانی. با یک صبحانه ایرانی به التم رفتیم تا با حضور داوطلبان یارا و برقراری ارتباط با مردم از مزایای کمک رسانی به کودکان محروم ایران با همه صحبت کنیم. از خبر رسمیت رسیده های یارا برای امور مالیاتی هم استقبال خوبی شد. به امید دیدار همه دوستان فارسی زبان در بازارچه های آینده.

[www.yarrafoundation.com](http://www.yarrafoundation.com)

اطلاعات بیشتر در رابطه با بنیاد یارا را اینجا بخوانید:





## فرمت ارسال مقالات

## راهنمای ارسال مقالات برای انتشار در مجله گلبانگ

عنوان مقاله: فونت Times New Roman - اندازه ۱۶ - پررنگ

نام و نام خانوادگی نویسنده (فونت Times New Roman - اندازه ۱۲ - پررنگ)

وابستگی سازمانی یا حرفه‌ای نویسنده (فونت Times New Roman - اندازه ۱۱)

آدرس پست الکترونیک نویسنده (Times New Roman ۱۰) - pt

مقدمه (فونت Times New Roman - اندازه ۱۲ - پررنگ)

مقالات باید در قالب نرم افزار مایکروسافت ورد (MS-Word) ارسال گردد.

متن اصلی مقاله (فونت Times New Roman - اندازه ۱۲ - پررنگ)

منابع (فونت Times New Roman - اندازه ۱۲ - پررنگ)

منابع در انتهای مقاله می‌آیند.

\*لطفاً نیم فاصله را در تایپ مقاله در محیط ورد با کلید ترکیبی  $\text{ctrl}+\text{shift}+۲$  رعایت فرمایید.

## نکات مهم در ارسال مقالات

• در ارسال مقالات برای انتشار در مجله به این مطلب توجه داشته باشید که "گلبانگ" مجله‌ای است که توسط نویسندگان و متخصصان فارسی زبان ویکتوریا و استرالیا برای مخاطب عام (افراد و خانواده‌ها در گروه‌های سنی مختلف شامل کودکان، نوجوانان، جوانان، میانسالان و سالمندان) ساکن ایالت ویکتوریا و استرالیا منتشر می‌شود.

## • مقالات دریافتی در یکی از گروه‌های ذیل منتشر خواهد شد:

- خانه و خانواده (آشنایی با قوانین و مقررات حقوقی، سبک‌های زندگی و ...)

- اقتصاد و تجارت (کاریابی، فرصت‌های سرمایه‌گذاری و کارآفرینی، خرید خانه و ...)

- دانش و تکنولوژی (نتایج پژوهش‌های انجام شده توسط فارسی‌زبانان استرالیا و ...)

- تاریخ ایران و استرالیا (با هدف آشنایی مهاجران تازه وارد با تاریخ استرالیا و تاریخچه مهاجرت و فعالیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد و غیر دولتی و همچنین شناساندن تاریخ کشورهای فارسی‌زبان به نسل جدید فارسی‌زبانان متولد استرالیا)

- مناسبت‌ها و رویدادها (معرفی مناسبت‌های ایرانی و گزارش مراسم‌های برگزار شده در ویکتوریا)

- فرهنگ، هنر و ادبیات (شعر و داستان)

- گزارش‌های ویژه (نمایشگاه‌ها و مراسم‌های برگزار شده توسط جامعه فارسی‌زبان)

- حقوق بشر

• از میان مقالات ارسالی به نشریه، مقاله‌ای انتخاب و چاپ می‌شود که قبلاً در سایر مجلات علمی (فارسی یا سایر زبان‌ها) منتشر نشده و در صورت نیاز دارای منبع و استناددهی دقیق باشد.

• مسئولیت نهایی محتوای کامل مقاله ارسالی بر عهده نویسنده است.

• اعلام صریح نویسنده (گان) مبنی بر صحت و اصالت مقاله، فقدان سرقت علمی و چاپ در سایر نشریات.

• مواردی از مصادیق رفتار غیر اخلاقی انتشاراتی:

- جعل داده‌ها (Fabrication): گزارش مطالب غیر واقعی و ارائه داده‌ها یا نتیجه‌های ساختگی

- سرقت علمی (Plagiarism): اقتباس نزدیک افکار و عبارات نویسندگان دیگر، کپی‌برداری در بیان

اندیشه‌ها، شباهت‌های ساختاری در نوشتار یا انتساب ایده‌ها و نتایج دیگران بدون ارجاع مناسب

- ارسال مجدد (Duplicate submission): مقاله یا بخشی از آن که در نشریه دیگری (استرالیا یا

خارج از کشور) چاپ شده یا در جریان داوری و چاپ باشد.

لطفاً مقالات خود را به آدرس ایمیل [golbang@aisov.org.au](mailto:golbang@aisov.org.au) ارسال نمایید.

BRONZE SPONSOR

جهشناور



## BYRON'S FOR FLOWERS

- ارائه انواع گل آرایشی در سبک های مختلف ایرانی، اروپایی و استرالیایی.
- گل آرایشی مراسم عقد، دسته گل عروس، گل آرایشی ماشین عروس با تازه ترین گل و رنگ مورد علاقه شما
- گل آرایشی centerpiece برای مناسبت های مختلف: ختم، تولد، عروسی و ...
- ارسال پایه گل برای مناسبت های مختلف
- انواع دسته گل به صورت یک طرفه و گرد قابل ارائه میباشد
- انواع گل آرایشی در سرامیک و باکس های مختلف
- تحویل سفارشات شما در همان روز در سراسر ملبورن
- ارسال گل به تمامی شهر های استرالیا و بیش از ۱۵۵ کشور دنیا
- با خیال راحت سفارش های گل خود را به تیم ما تجربه ما بسپارید

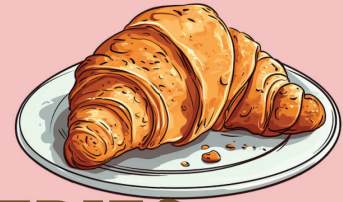


- [www.byronsforflowers.com.au](http://www.byronsforflowers.com.au)
- 0398423163 / 0451880873
- [info@byronsforflowers.com.au](mailto:info@byronsforflowers.com.au)
- 1015 Doncaster Rd, Doncaster East VIC 3109
- @byronsforflowers

**BRONZE SPONSOR**



# TASTE OF PARIS: ROSELANE BRINGS AUTHENTIC FRENCH PASTRIES TO MELBOURNE



Welcome to Roselane Café!  
Hello there, lovely souls!

I'm Maryam, and I'm absolutely thrilled to welcome you to Roselane Café, a cozy little haven nestled in the heart of Doncaster East.

With a sprinkle of passion and a dash of love, I've brought to life a dream nurtured over a decade of immersing myself in the enchanting world of food and pastry.



As you step into Roselane, you're not just entering a café; you're stepping into my heart and soul poured into every dish, every pastry, and every warm cup of coffee.

Drawing from my rich tapestry of experiences, I've curated a menu that's not just about flavours; it's about weaving moments of joy and comfort into your day.



Whether you're seeking a tranquil spot to savour a morning espresso, a cozy corner for an afternoon catch-up with friends, or a delightful treat to brighten your day, Roselane is here to be your sanctuary.

Let's make memories, one delicious moment at a time.

With love and pastry-filled dreams,  
Maryam



## Roselane Cafe and Pastry

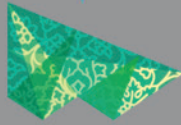
292 Blackburn rd, Doncaster East VIC 3109

# Golbang

Official Quarterly Magazine of  
The Iranian Society of Victoria

ISSN:2981-9474

Issue 198- March 2024



**AISOV**  
Australian Iranian  
Society of Victoria  
کانون ایرانیان ویکتوریا

Australian Iranian Society of Victoria (AISOV) is a non-profit, non-political and non-religious organisation which started its work in 1990 and was officially established in 1991.

The entire effort, funding and income of AISOV are used to achieve the following goals :

- \* Introducing, promotion and empowering of Iranian culture, music, literature and arts
- \* Provision of social welfare services and assisting Iranians with the priority of AISOV members
- \* Assisting Iranians residing in Victoria in employment and beginning a career
- \* Promotion of social, leisure and sport activities
- \* Establishing communication with public and non-public Australian organisation to introduce enriched Iranian culture to them, inform them of the needs of Iranian community in Victoria and vice versa

All members of AISOV's management team work voluntarily. The main commitment of AISOV is provision of services to its official members; however, it has always been attempted to provide appropriate services to other non-member Iranians as much as possible.

## Magazine Information:

### Editorial Board:

Afroz Rahimian, Rasteen Panahandeh, Sara Seif, Omid Sorkhi, Farhad Maleki, Anahid Habibi & Reza Davari

### Coordinator:

Reza Davari

### Graphic Designer:

Marziyeh Jalaei

The contents in this publication have been prepared by our wonderful volunteers for general information and interest only. The publication is made available for the benefit of the Iranian community in Victoria and supported by the Australian Iranian Society of Victoria (AISOV).

AISOV reserves the right to make changes without notice.

Whilst AISOV, the community members and volunteers (jointly and severally referred to as Providers) involved in preparation of Golbang, have used their reasonable efforts to ensure that contents are accurate and current at the time of publication, the Providers do not in any way warrant the accuracy, content, completeness or suitability of the information for any purpose. Furthermore, the contents do not necessarily represent the views of AISOV or its members or management committee.

The Providers will not accept liability for any claims or damages whatsoever resulting from use or reliance on the contents.

### Address:

Level 1, 79 Mahoney's Road  
Forest Hill VIC 3131

### Telephone

03 9894 2644

### Mobile

0468 460 698

### Email

info@aisov.org.au

### Website

www.aisov.org.au

کتاب  
از چشم کدو ستم معنی بهار میم  
من خیزد آن بهر که نام بهار درم  
بازم آید بهر که آید  
لکه تو ای بهار خواجه  
حسرت و سملوف کردی به درات بهاران  
سوز

## GOLBANG

Official Quarterly Magazine of the Australian Iranian Society of Victoria  
(AISOV)

ISSN: 2891-9474-Issue 198-March 2024

